لطفا اموزش های ما را فقط از طریق نرم افزار مدآموز و یا پیج تک نرس دریافت کنید در غیر این صورت فاقد اعتبار لازم بوده و به هیچ وجه کامل و جامع نمی باشد و از نظر شرعی نیز جایز نمی باشد

در صورت گزارش تخلف فایل و معرفی فرد و افراد خاطی پخش کننده فایل ها به سایت میتوانید یک میلیون تومان رایگان از سایت محصول دریافت نمایید

سال دوم دین و زندگی

هدف :

۱- **شاخصه ی اصلی** مجموعه های بزرگ و کوچک جهان و تبدیل کننده ی آنها به یک نظام است

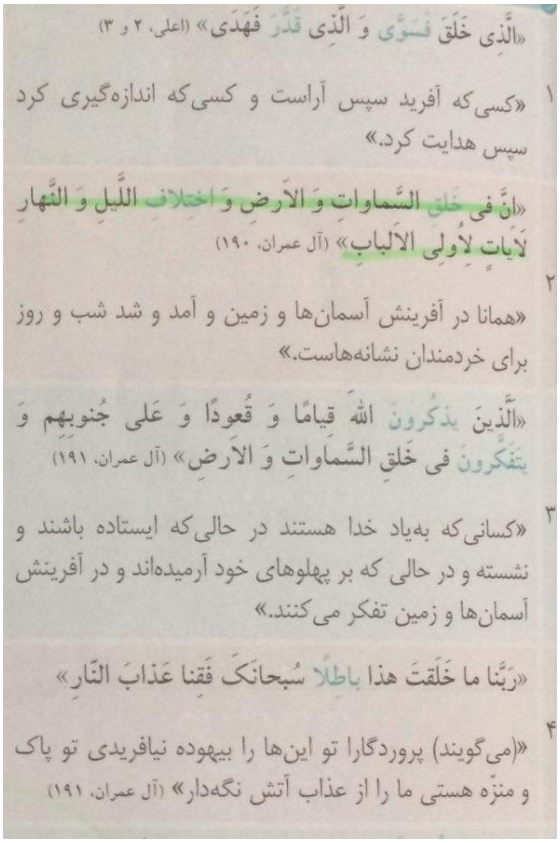
۲ -حاضر بودن در همه ی اجزا و فعالیت های یک مجموعه و **معنی بخشی** به آنها

۳- **بی معنا بودن** پیوستگی، ارتباط و هماهنگی بدون «هدف» و شکل نگرفتن مجموعه ی دارای نظام بدون أن

۴ -همکاری، پیوستگی و نظام، همواره برای منجر شدن به هدف معینی و رسیدن به سرانجام روشنی است.

۵- « عبث » و «بیهوده» و در یک کلام، «باطل» شدن تمام فعالیت های یک مجموعه در صورت نبودن شاخصه ی هدفمندی

۶ -«ثمربخش»، «هدفمند» و در یک کلام، «حق» بودن مجموعه فعالیتها، با بودن شاخصهای هدفمندی



«الَّذی خَلَقَ فَسَوّی وَ الَّذی قَدَّرَ فَهَدی» (اعلی، ۲ و ۳)

۱ «کسی‌که آفرید سپس آراست و کسی‌که اندازه‌گیری کرد سپس هدایت کرد.»

«انَّ فی خَلقِ السَّماواتِ وَ الاَرضِ وَ اختلافِ اللَّیلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِاُولِی الالبابِ» (آل عمران، ۱۹۰)

۲ «همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هاست.»

«الَّذینَ یذکُرونَ اللهَ قیامًا وَ قُعودًا وَ عَلی جُنوبِهِم وَ یتَفَکَّرونَ فی خَلقِ السَّماواتِ وَ الاَرضِ» (آل عمران، ۱۹۱)

۳ «کسانی‌که به‌یاد خدا هستند در حالی‌که ایستاده باشند و نشسته و در حالی که بر پهلوهای خود آرمیده‌اند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند.»

«رَبَّنا ما خَلَقتَ هذا باطلًا سُبحانَکَ فَقِنا عَذابَ النّارِ»

۴ «(می‌گویند) پروردگارا تو این‌ها را بیهوده نیافریدی تو پاک و منزّه هستی ما را از عذاب آتش نگه‌دار» (آل عمران، ۱۹۱)

ساختار منظم موجودات جهان و عبث نبودن و بیهوده نبودن آنها



هدف و سرآمد معین تمام مخلوقات جهان

عوامل رشد انسان :

الف : **کرامت انسانی**

۱. : ارزش هر کسی به میزان **درک و فهم وی از «حقیقت هستی»** و «جایگاه انسان در کاروان افرینش بستگی دارد (ارزش و منزلت هر کسی به میزان **خودشناسی** اوست)
۲. امام علی «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا میرود» | بیت مولوی می گوید: از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود و به کجا میروم آخر ننمایی وطنم (کرامت انسانی)
۳. مفهوم آیه شریفه ی: هو لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم ... (کرامت انسانی)

ب : **نیروی عقل**

نیرویی برای اندیشیدن و **تشخیصی راه درست زندگی از راههای غلط و درک حقایق** و دور شدن از جهل و نادانی

به مفهوم آیه ی شریفه ی: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه » بشارت ده بندگان مرا آنان که سخن را می شنوند و بهترین آن را پیروی میکنند**(نیروی عقل)**

ج : **اختیار و اراده:**

آفرینش آدمی با اراده و اختیار بوده و او مسئول سرنوشت خویش قرار داده اند

نشان دادن راه رستگاری و راه شقاوت برای **برگزیدن راه رستگاری و دوری از شقاوت(اختیار و اراده)**

ج- مفهوم آیه ی شریفه: إنا هدیناه السبیل إما شاکرا و إما کفورا..(**در مورد اختیار و اراده است)**

د : **فطرت خداگرا :**

سرشت ما با خدا آشناست و و خداوند گرایش به خودگرایی را که منشا و علت گرایش به همه ی خوبی ها و زیبایی هاست در وجود ما قرار داده است»

در نتیجه ی این گرایش، اگر در خود بنگریم یا به تماشای جهان بنشینیم، خدا را در خود می یابیم و محبتش را در دل حس می کنیم»

مفهوم آیه ی شریفه: «فأقم وجهک للدین حنیفا فطرت الله التی فطر الناس علیه ...(**فطری بودن خداشناسی)**

مفهوم حدیث امام علی :در هیچ چیزی ننگریستم. مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم(**فطری بودن خداشناسی)**

نکته: این که انسان در موقع درماندگی به یاد خداست نشانه ی **فطری بودن خداشناسی** است.

ه : **گرایش به نیکی ها و زیبایی ها**

الف. مفهوم ایه ی شریفه ی: و نفس وما سواها فالهمها فجورها و تقواها : سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید ، آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد (**گرایش به نیکی ها و زیبایی ها)**

قرار دادن **شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن** ، در وجود ما که عامل روی آوردن به خیر و نیکی و پرهیز از گناه و زشت می باشد.

دوست داشتن فضائلی چون صدافت، کرامت، عزت نفس و عدالت و **بیزاری از دورویی، حقارت نفس،** ریا، ظلم، معلول گرایش به نیکی است .

سرزنش و ملامت پس از الوده شدن به گناهان و **در اندیشه ی جبران ان برامدن** که توسط **نفس لوامه** صورت می گیرد معلول و **نتیجه گرایش به نیکی است. (و لا اقسم بالنفس اللوامه..)**

ج: **هدایت الهی و امداد های او**

نشان دادن راه سعادت و کمک کردن به ما در پیمودن راه حق، **از طریق ارسال پیامبران و پیشوایان همراه با کتاب راهنما**

وعده خدا مبنی بر بهره مند ساختن از امدادهای غیبی و یاری کردن در رسیدن به مقصد به هر کسی در راه خدا، که راه خوشبختی خودمان است. تلاش کند .

- مفهوم آیه ی شریقه ی: هو الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین ....(**هدایت الهی و امدادهای او)**

موانع رشد :

۱. **نفس اماره** : **عاملی درونی** دعوت کننده ی انسان ها به گناه برای رسیدن به لذت های زودگذر دنیایی و **بازدارنده از پیروی از عقل و وجدان** است.(نکته: **نفس اماره مقابل عقل و وجدان است.)**

مفهوم آیه شریفه: «و لقد خلقنا الإنسان و نعلم ما توسوس به نفسه »..(**نفس اماره)**

ج- مفهوم این سخن امام علی : دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.» (**نفس اماره)**

مولوی می گوید: «نفس، هر دم در درونت در کمین / از همه مردم بتر در مکر و کین

دشمنی داری چنین در سر خویش / مانع عقل است و خصم جان و کیش»(**نفس اماره)**

مفهوم آیه ی شریفه ی: و ما أبرئ نفسی أن النفس لأمارة بالسوء... (**نفس اماره)**

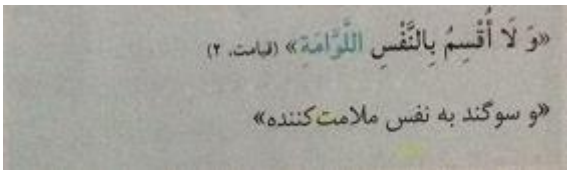
۲. **دام های شیطان**

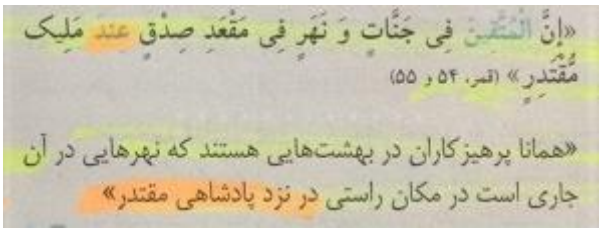
الف: خود را برتر از آدمیان می پندارد و سوگند یاد کرده برای فریب فرزندان آدم و باز داشتن آنها از بهشت...

ب- مفهوم آیه ی شریفه ی: «یا أیها الناس کلوا مما فی الأرض حلالا طیبا » **(دام های شیطان)**

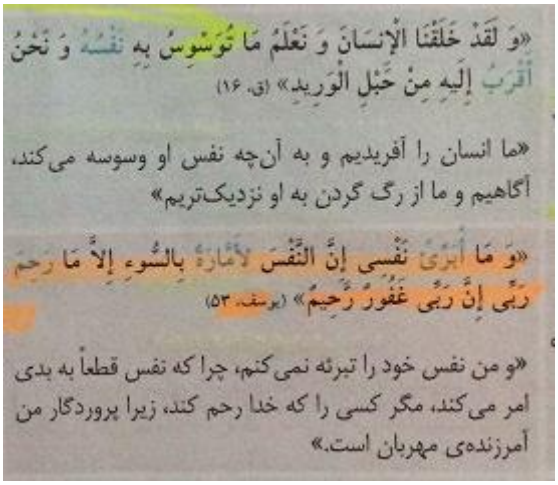
ج- کار شیطان و تنها راه نفوذش، **وسوسه کردن و دادن وعده های دروغین** است

راه های گمراه کردن انسان توسط شیطان: ۱- زیبا و لذت بخش نشان دادن گناه ۲- سرگرم کردن به آرزوهای سراب گونه ی دنیایی ۳- غافل کردن از خدا و یاد او ۴- ایجاد کینه و دشمنی میان مردم ۵.شیطان در روز قیامت به اهل جهنم می گوید: خداوند به شما وعده ی حق داد، اما من... »





بالاترین مرتبه نعمت های بهشت و بالاترین ثمره اخلاص **، لقا و دیدار روحانی و باطنی خداوند** است


«وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶)

«ما انسان را آفریدیم و به آن‌چه نفس او وسوسه می‌کند، آگاهیم و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم»

«وَ مَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف، ۵۳)

«و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده‌ی مهربان است.»

این دو ایه **به نفس اماره** اشاره دارد.

مولوی : روزها فکر من این است و و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشم

از کجا آمده ام و آمدنم بهر چه بود به کجا میروم آخر ننمایی وطنم

از این دو بیت و حدیث امام علی : خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده در کجا قرار دارد و به کجا می رود و آیه ی شریفه ی: هو لقد کرمنا بنی آدم ...، به **منزلت انسان در نزد خداوند که نتیجه خویشتن شناسی** است اشاره دارند

امام علی فرمود: در هیچ چیزی ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم» خدا را قبل و بعد و با همه چیز دین، نشانی از **فعلیت بافتن فطرت خداجو انسان** است

حضرت علی درباره **نفس اماره** می فرماید: دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.

نفس اماره **دشمن درونی** و **دشمن ترین دشمن** و شیطان، **دشمن بیرونی و دشمن اشکار** انسان است.

دلایل غیر مادی (مجرد) بودن روح

الف : **ثابت بودن خود** : هر کس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات «من» به هیچ گونه استدلالی **احتیاج ندارد**. (نکته: من انسان وجدانی و مشهود و بی نیاز از استدلال **است ولی روح و نفس انسان، نیازمند استدلال است** | ۲- هر کس در خود می یابد که با وجود پیدایش حالات گوناگون در طول زندگی، یک **محور ثابت و حقیقت تغییر ناپذیر** دارد که **به پشتوانه ی** آن می گوید: گذشته آن گونه بودم و اکنون این گونه هستم ۳- در صورت وابسته بودن من یا شخصیت انسان به جسمش، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد ۴- **قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد** نیز بر پایه ی **پذیرش همین «من»** ثابت بنا شده اند. ثبات هویت و «خود» ما، ناشی از ثبات اندام های ما نیست، چراکه برخی انسانها با از دست دادن قسمتهایی از بدن خود در حادثه ای، هیچ گاه احساس نمی کنند که قدری از هویت و «من» او کم شده باشد.
«من» و «هویت» انسان، ثابت است و مستقل از جسم اوست.

ب : **رویاهای صادقانه :**

۱- مطابق با واقعیت هستند و از یک رویداد خارجی حکایت می کنند. ۲- خبر از **حوادث گذشته با رویدادهای آینده** می دهند یا نشان دهنده ی مکانی هستند که هرگز در بیداری آنجا را ندیده ایم و بعدها که به آنجا میرویم، آن چه را در خواب دیده بودیم، در خارج مشاهده میکنیم ۳- انسان در این قبیل خوابها، از ظرف **زمان و مکان** خود خارج میشود و به زمانی در گذشته را در آینده می رود و یا در مکانی که تا **به حال نرفته**، قرار می گیرد.

باهوش ترین مؤمنان از نظر رسول خدا(س): «آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند.»

امیر مؤمنان (ع) فرمود: «ای مردم ! آدمی در همان حال که از مرگ می گریزد، آن را ملاقات می کند. دوران زندگی میدان از دست دادن جان است و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن می باشد.»

۳- شب عاشورا «حضرت قاسم» فرزند امام حسن(ع) نزد امام حسین (ع) آمد و در پاسخ به سؤال عمویش که شهادت را چگونه می بینی؟ **شهادت را «شیرین تر از عسل»** معرفی کرد. (دومین پیامد مرگ - شهادت طلبی)

۴- آیه ی شریفه ی: «من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون» (اولین پیامد مرگ - شور و نشاط)

۱. ضرورت معاد

الف : حکمت الهی :

میل **به بقا و جاودانگی**؛ هر انسانی از مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد. بیانگر **ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی**.

مبل به کمالات بی نهایت انسان خواستار همه ی کمالات است؛ این طلب در هیچ حدی محدود نمی شود و پایان نمی پذیرد. او به دنبال پایان ناپذیرها و افول ماندنی هاست." **(ضرورت معاد - حکمت الهی)**

خدای حکیم مرتکب **کار عبث و بیهوده** نمی شود، زیرا کار عبث از نادانی سرچشمه می گیرد. هر موجودی را برای هدف شایسته ای خلق می کند و **امکانات رسیدن به آن هدف** را به او عطا می نماید.

اگر تمایلات و گرایش هایی در وجودش قرار داده، **پاسخ مناسب** آن را هم پیش بینی کرده است. (ضرورت معاد - حکمت **«میل به بقا و جاودانگی» و «میل به کمالات بی نهایت»**، دو ویژگی فطری است که نیازمند پاسخ بیرونی می باشند کرد. این دنیا و عمر محدود انسان ها، پاسخ گوی این دو ویژگی نیست

ب : عدل الهی :

خداوند عادل، جهان را پر عدل استوار ساخته است. | به دلیل قرار گرفتن زندگی انسانها در داخل این نظام عادلانه، خداوند وعده داده که **هر کس را به به آنچه استحقاق دارد برساند**. و حق کسی را ضایع نگرداند. اما زندگی در این دنیا امکان تحقق این وعده را نمی دهد، **چراکه پاداش و کیفر بسیاری از انسانها** مانند شهدا و ظالمین در این دنیا ممکن نیست

۲. امکان معاد

قدرت نامحدود الهی: در آیاتی از قرآن، به تفکر در قدرته بیکران الهی در آسمانها و زمین سفارش شده **تا موضوع معاد و زنده شدن مجدد انسانها در آخرت، امری بعید و غیر ممکن ننماید**. . (امکان معاد)

خلقت نخستین انسان: از آنجا که **زنده کردن مجدد آدمی** در آخرت امری آسان تر از آفرینش نخستین اوست، تفکر در آفرینش نخستین انسان، **امکان معاد جسمانی** را بر همگان آشکار می نماید. نظام مرگ و زندگی در طبیعت: تفکر در زنده شدن طبعت در فصل بهار که یک جریان رایج و همیشگی است، موضوع امکان معاد جسمانی را اثبات می نماید. **(فأحيينا به الأرض بعد موتها - و يحيى الأرض بعد موتها)(این آیات از امکان معاد)**



«اللهُ لا إلهَ إلاّ هُوَ لَيَجمَعَنَّكُم إلى يومِ القيامةِ لا رَيبَ فيهِ وَ مَن أصدَقُ مِنَ اللهِ حديثاً» (نساء، ۸۷)

۱ خداوند، معبودی جز او نیست و به یقین همه‌ی شما را در روز رستاخیز جمع می‌کند شکی در آن نیست و چه کسی از خداوند راستگوتر است.»

ضرورت معاد

«أفَحَسِبتُم أنَّما خَلَقناكُم عَبَثاً وَ أنَّكُم إلَينا لا تُرجَعونَ»

۲ «آیا پنداشته‌اید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟» (مؤمنون، ۱۱۵)

ضرورت معاد-حکمت الهی

«وَ ما خَلَقنَا السَّماءَ وَ الأرضَ وَ ما بَينَهُما باطِلاً ذلِكَ ظَنُّ الَّذينَ كَفَروا فَوَيلٌ لِلَّذينَ كَفَروا مِنَ النّارِ» (ص، ۲۷)

۳ «و آسمان و زمین و آن‌چه میان آن‌هاست را بیهوده نیافریدیم این است گمان آنان که کفر ورزیدند پس وای بر کافران از آتش.»

ضرورت معاد-حکمت الهی

«أمْ نَجعَلُ الَّذينَ آمَنوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ كَالمُفسِدينَ فِي الأرضِ أمْ نَجعَلُ المُتَّقينَ كَالفُجّارِ» (ص، ۲۸) «یا قرار می‌دهیم کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند مانند تبهکاران در زمین یا قرار خواهیم داد پرهیزکاران را همچون بدکاران»

ضرورت معاد-عدل الهی

«أيَحسَبُ الإنسانُ ألَّن نَجمَعَ عِظامَهُ بَلى قادِرينَ عَلى أن نُسَوِّيَ بَنانَهُ» (قیامت، ۳ و ۴)

۵ «آیا انسان می‌پندارد که استخوان‌های او را هرگز جمع نمی‌کنیم؟ بلی ما قادریم (حتی) سر انگشتان او را هم درست گردانیم.»

امکان معاد

«وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلاً وَ نَسِيَ خَلقَهُ قالَ مَن يُحيِ العِظامَ وَ هِيَ رَميمٌ قُلْ يُحيِيها الَّذي أنشَأها أوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلقٍ عَليمٌ» (یس، ۷۸ و ۷۹)

۶ و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد؛ گفت: «چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است زندگی می‌بخشد؟» بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست.»

امکان معاد

«وَ اللهُ الَّذي أرسَلَ الرِّياحَ فَتُثيرُ سَحاباً فَسُقناهُ إلى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأحيَينا بِهِ الأرضَ بَعدَ مَوتِها كَذلِكَ النُّشورُ» (فاطر، ۹)

۷ «خداست آن که بادها را فرستاد تا ابری را برانگیزد و دگرگون کرده سپس آن ابر را به سوی سرزمین مرده‌ای راند و آنگاه زمین را که مرده بود به وسیله‌ی آن زنده کردیم زنده شدن در قیامت نیز چنین است.»

امکان معاد

«يُخرِجُ الحَيَّ مِنَ المَيِّتِ وَ يُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَيِّ وَ يُحيِي الأرضَ بَعدَ مَوتِها وَ كَذلِكَ تُخرَجونَ» (روم، ۱۹)

۸ «زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد و شما نیز گونه

امکان معاد

غا

مهم ترین خبر انبیا خیر از **«معاد و آخرت»** است
پیامبران **پس از ایمان به خدا، ایمان به اخرت** را مطرح کرده و آن را **لازمه ی ایمان به خدا** دانسته اند
در قرآن، **بعد توحید و یکتاپرستی، درباره ی هیچ موضوعی به اندازه ی معاد** سخن نرفته است.

برزخ :

۱.حد فاصل **بین زندگی دنیایی و حیات اخروی** است و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می شوند و تا قیامت در آنجا می مانند. ۲- در بدو ورود به این عالم، فرشتگان حقیقت وجود انسان (روح) را به طور تمام و کمال دریافت می نمایند. **(توفی)**
۳- اگرچه فعالیتهای حیاتی بدن متوقف می شود، اما روح همچنان به فعالیت آگاهانه ی خویش در برزخ ادامه می دهد.
۴- «گفتگوی انسان با فرشتگان و شنیدن پاسخشان» و همچنین «درک و مشاهده ی اموری که در دنیا ممکن نبود، مانند مشاهده ی اعمال دنیوی در برزخ»، بیانگر **افزایش آگاهی روحانی انسان در برزخ** است.
بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده میشود.
.۵- مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی که «نجلی کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می گذرانند.
۶- پرونده ی اعمال انسان، در برزخ باز بوده و از طریق آثار ماتأخر در آن تغییراتی داده میشود. **(و نکتب ما قدم و آثارهم)**

شخصی از امام کاظم(ع) درباره وضع مؤمنان پس از مرگ پرسید: آیا مؤمن به دیدار خانواده ی خویش می آید؟ فرمود: آری
پرسید: چقدر؟ فرمود: **بر حسب مقدار فضیلتهایش**. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و **کم ترین شان هر جمعه.**
امام صادق فرمود: هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخصی بر او ظاهر می شود و به او می گوید: ای فلان، ما (در دنیا) سه چیز بودیم **رزق تو** که با پایان یافتن مهلت تو قطع شد و اینک همراه تو نیست)، **خانواده ات** که تو را رها کردند و بازگشتند و من که **عمل تو هستم با تو می مانم**. اگاه باش که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبکتر بودم.
مشاهده ی اعمال دنیوی در برزخ، بیانگر افزایش آگاهی روحانی انسان در برزخ است



«حَتّٰى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ : ان‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد»
«قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ : می‌گوید:
پروردگارا! مرا بازگردانید باشد که عمل صالح انجام دهم، آن‌چه را در گذشته ترک
کرده‌ام» «كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا : هرگز! این سخنی است که او می‌گوید»
«وَ مِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ : و در برابرشان برزخ و فاصله‌ای
است تا روزی که برانگیخته شوند.» (مؤمنون، ۹۹ و ۱۰۰)

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ: کسانی که فرشته‌ها روح
آن‌ها را گرفتند در حالی‌که ستمکار به خویش‌اند» «قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ: (ملائکه)
به آن‌ها (ظالمین به خود یا گناه‌کاران) گفتند شما در چه حالی بودید؟» «قَالُوا
كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ: گفتند ما در سرزمین خود مستضعف بودیم»
«قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا: گفتند مگر سرزمین
خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟» «فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ
سَاءَتْ مَصِيرًا: آن‌ها جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی است.» (نساء، ۹۷)

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ
ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل، ۳۲) «آنان که فرشتگان
دریافتشان می‌کنند در حالی که پاکیزه‌اند به آن‌ها می‌گویند: سلام
بر شما وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید.»

«فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا: پس خدا او را حفظ کرد از بدی‌های
نیرنگ آنان» «وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ: و احاطه کرد
آل‌فرعون را بدترین عذاب» «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا:
آنان بر آتش عرضه می‌شوند هر بامداد و شامگاه» «وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ
أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ: و آن‌گاه که قیامت بر پا شود (ندا
می‌رسد) وارد کنید آل‌فرعون را در شدیدترین عذاب» (غافر، ۴۵ و ۴۶)

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ»
«همانا که ما مردگان را زنده می‌کنیم و اعمالی را که پیش
فرستاده‌اند و آثارشان را ثبت می‌کنیم.» (یس، ۱۲)

«يُنَبَّأُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ» (قیامت، ۱۳) «در آن روز به انسان
خبر داده می‌شود به آن‌چه پیش فرستاده و آن‌چه پس فرستاده است.»

ایه مربوط به برزخ است

اولین سوال ملایکه از ظالمین در برزخ

مربوط به برزخ است

قسمت اول برزخ و قسمت دوم قیامت

اثار ماتاخر و ماتقدم

اثار ماتاخر و ماتقدم

مراحل قیامت

مرحله اول

۱. نفخ صور اول : ۱.صیحه و بانگ سهمگین ۲. مدهوش شدن اهل اسمان و زمین ۳.**تغییر در ساختار زمین و آسمان (همه این سه مورد در مرحل اول رخ می دهد)**

مرحله دوم

۱. نفخ صور دوم
۲. زنده شدن همه انسان ها
۳. نورانی شدن زمین (کنار رفتن پرده ها و پدیدار شدن واقعیت حوادث بر زمین)
۴. برپاشدن دادگاه عدل الهی
۵. حضور شاهدان و گواهان
۶. قضاوت بر معیار حق
۷. دادن نامه اعمال

حضور شاهدان و گواهان

الف:**پیامبران و امامان:**

۱- در دنیا، «ناظر و شاهد بر اعمال انسان ها» و در آخرت، «شاهدان دادگاه عدل الهی» و **معیار سنجش اعمال انسان ها هستند.**

۲- به دلیل «**دیدن ظاهر و باطن اعمال انسان ها در دنیا . و مصون بودن از خطا**»، بهترین گواهان قیامت اند.

۳- «شاهد و ناظر بر همه ی پیامبران و امتها، **رسول خداست.**»

ب: **فرشتگان الهی:**

«مراقب انسان ها در طول زندگی» و «ثبت و ضبط تمامی اعمال آنها» از وظایفشان است

ج- اعضای بدن انسان: «سوگند دروغ گفتن بدکاران برای نجات خود از مهلکه در قیامت» و سپس «**مهر خاموشی زدن بر دهان آنها از سوی خداوند**» و «**سخن گفتن** اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند و **شهادت دادن** علیه آنها»

«معیار و وسیله ی سنجش اعمال، حق است.»

اعمال پیامبران و امامان چون عین حق و حقیقت است، **معیار و میزان سنجش اعمال سایرین** قرار می گیرد.

مفهوم أیات: هو قضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون» و «و إن کان مثقال حبۀ من خردل أتینا بها و کفی بنا حاسبین و هو الوزن یومئذ الحق»، بیانگر **قضاوت بر معیار حق** است

نامه ی اعمال در آخرت، در بردارنده ی **خود عمل** و حقیقت آن است، نه اینکه «گزارشی از عمل به صورت کلمات و نوشته ها» باشد

-مجسم شدن کارهای خوب یا بد انسان با صورتهای بسیار زیبا و لذت بخش یا صورتهای بسیار زشت و وحشتزا و آزاردهنده ها


«حَتَّى إِذَا مَا جَاؤُوهَا: تا چون (دشمنان خدا) به دوزخ رسند» «شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: «بر ضدّشان گواهی دهند گوش‌شان و دیدگان‌شان و پوستشان به آن‌چه می‌کرده‌اند» «وَ قَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا: و به پوست [بدن] خود می‌گویند: «چرا بر ضدّ ما شهادت دادید؟ «قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ: می‌گویند: «همان خدایی که هر چیزی را به زبان درآورده ما را گویا گردانیده است، و او نخستین بار شما را آفرید و به سوی او برگردانیده می‌شوید» «وَ مَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَ لَا أَبْصَارُكُمْ وَ لَا جُلُودُكُمْ: و شما که پنهان می‌کردید گناهانتان را از این جهت نبود که پروا داشتید ـ که شهادت دهند بر ـ شما گوش و دیدگان و پوستتان» «وَ لَكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ: و لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آن‌چه را که می‌کنید نمی‌داند.» (فصّلت. ۲۰ تا ۲۲)

مفهوم آیه: شهادت اعضای انسان در اخرت

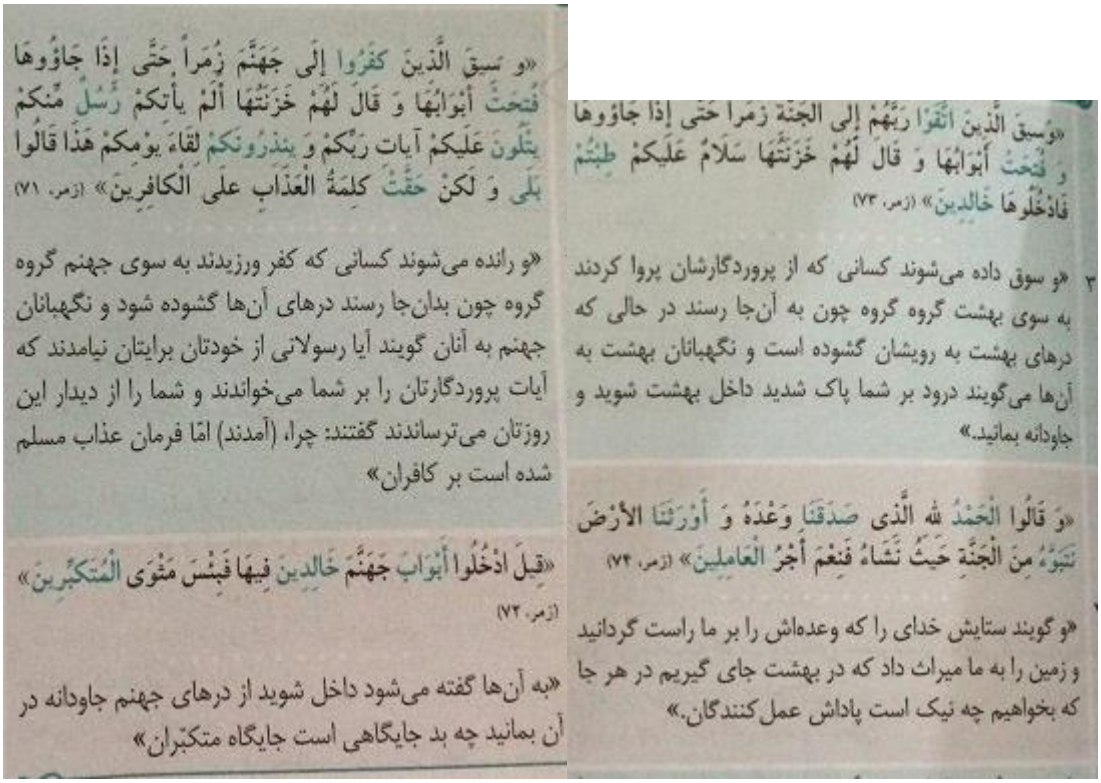
قیامت :

جهنم و راههای ورود گروه های مختلف به آن، **هفت در** است

بهشت هشت در دارد: «یک در مخصوص پیامبران و صدیقان» و «یک در مخصوص شهیدان"

بالاترین درجه بهشت از نظر رسول خدا: «**فردوس** است و اگر چیزی از خدا میخواهید، آن را طلب کنید.»

بالاترین مرتبه ی نعمتهای بهشت که اولیای خدا در طلب آن بوده و به شوق آن زندگی می کنند، **لقاء و دیدار خداست**



«و سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَراً حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَ يُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَى وَ لَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (زمر، ۷۱)

«و رانده می‌شوند کسانی که کفر ورزیدند به سوی جهنم گروه گروه چون بدان‌جا رسند درهای آن‌ها گشوده شود و نگهبانان جهنم به آنان گویند آیا رسولانی از خودتان برایتان نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما می‌خواندند و شما را از دیدار این روزتان می‌ترساندند گفتند: چرا، (آمدند) امّا فرمان عذاب مسلم شده است بر کافران»

«قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (زمر، ۷۲)

«به آن‌ها گفته می‌شود داخل شوید از درهای جهنم جاودانه در آن بمانید چه بد جایگاهی است جایگاه متکبّران»

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَراً حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر، ۷۳)

«و سوق داده می‌شوند کسانی که از پروردگارشان پروا کردند به سوی بهشت گروه گروه چون به آن‌جا رسند در حالی که درهای بهشت به رویشان گشوده است و نگهبانان بهشت به آن‌ها می‌گویند درود بر شما پاک شدید داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.»

«وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» (زمر، ۷۴)

«و گویند ستایش خدای را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و زمین را به ما میراث داد که در بهشت جای گیریم در هر جا که بخواهیم چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان.»

آیات بالا با دقت حفظ شوند . معمولا این آیات داده می شود و سوال میکنند که مربوط به برزخ است یا قیامت؟

رسول خدا(ص) به یکی از یاران خود فرمود: «برای تو به ناچار هم نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی گردد. با تو دفن میشود.در حالی که مرده ای و او زنده است. این همنشین تو اگر شریف باشد، تو را گرامی خواهد داشت. و **اگر شریف نباشد،** تو را به دامان حوادث می سپارد. آن گاه آن هم نشین با تو محشور می گردد. و در رستاخیز با تو برانگیخته میشود و تو مسئول آن هستی.

پس دقت کن، همنشینی که انتخاب می کنی نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه ی انس تو خواهد بود. و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می گردد. **آن هم نشین، کردار توست.**»

پیام: این روایت، به جزا و پاداش اخروی از نوع «**تجسم عمل**» اشاره دارد.

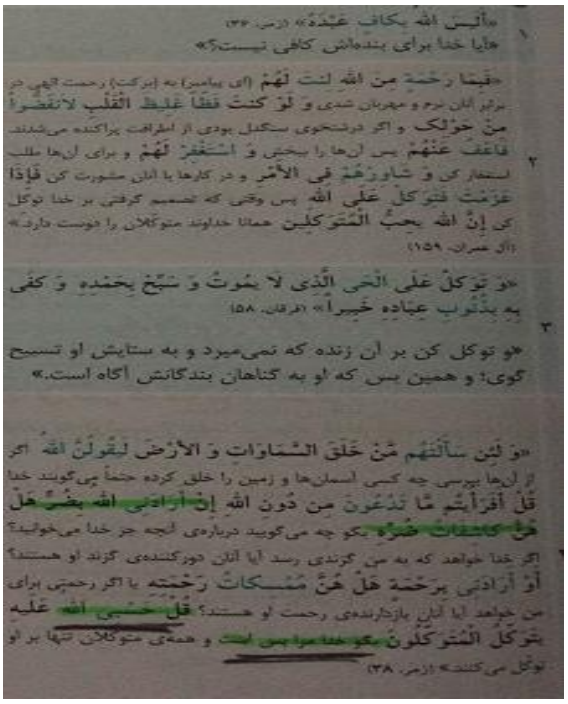
دوران گرفتن تصمیم های بزرگ، **نوجوانی و جوانی است**. چرا که با گذر عمر و سست شدن قوای انسان، توان انسان برای تصمیم های بزرگ نیز کاهش می یابد

شرایط توکل حقیقی: توکل بر خدا **پس از انجام مسئولیت و وظیفه ی خود،** یعنی پس از: ۱- به کار گرفتن فکر و اندیشهی خود ۲- مشورت کردن با دیگران ۳- انتخاب بهترین راه ممکن ۴- تلاش با عزم و اراده ی محکم برای رسیدن به مقصود

روزی رسول خدا(ص) به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. فرمود: شما چگونه مردمی هستید؟ گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم. فرمود: نه، **بلکه شما سربار دیگران هستید**. (یعنی توکل حقیقی باید پس از انجام مسئولیت و وظیفه باشد تا کمک کننده و امیدهنده به اهل همت، تعقل و پشتکار باشد.)

بیت: «گر توکل میکنی در کار کن / کشت کن پس تکیه بر جبار کن» (توکل حقیقی)

ایات : توکل حقیقی



«سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان»، «ریشه ی انجام فعالیتهای آدمی در زندگی» و «جهت دهنده به زندگی آدمها»، **دلبستگی ها و محبت های اوست**. محور زندگی یک دختر و پسر، قبل از ازدواج بر محور خود می چرخد، ولی بعد از ازدواج و صاحب فرزند شدن، از خود . محوری در می آید، خود را فراموش می کند و فردی ایثارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار میشود. .

آثار محبت به خدا

1. **پیروی از خداوند**

الف- دوست داشتن کسی از صمیم دل و سرپیچی از فرمانش»، نشانه ی «عدم صداقت در دوستی» است

ب- شعر منسوب به امام صادق (ع) «**اظهار دوستی با خدا و نافرمانی از او، رفتاری شگفت است** و دوستی راستین به اطاعتش می انجامد، زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است » (مفهوم پیروی از خداوند)

ج- ایه ی: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی ...»، پاسخ کسانی است که می گویند: «قلب انسان با خدا باشد کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد، اعمال ظاهری مهم نیست، درون و باطن انسان اهمیت دارد

د: سخن امام صادق (ع ما احب الله من عصاه . گناهکار خدا را دوست ندارد.» . . . (پیروی از خداوند)

ح- مناجات امام سجاد(ع): «خدایا! کیست که شیرینی دوستی با تو را چشیده باشد و غیر تو را طلب کند؟(پیروی از خداوند)

۲. **دوستی با دوستان خدا**

الف- **خانه کردن محبت خدا در دل،** به محبت همه ی کسانی که رنگ و نشانی از او دارند، می انجامد. (تولی)

ب- به میزان قوی تر بودن رنگ و نشان خداوند در افراد، علاقه و محبت به آنها نیز بیشتر میشود. (تولی)

ج- «در منظومه ی عاشقان و دوستان الهی نزدیک ترین انسانها به خداوند» و «مظهر تمام و کمال حق و جلوه ی زیبایی های او»، **رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان** می باشند. **.با شناخت این خانواده و آشنایی با فضائل اخلاقی آنان،** عشق به آنان را در خود می یابیم. (دوستی با دوستان خدا)

۳. **بیزاری از دشمنان خدا**

این مأموریت امام علی از سوی رسول خدا(ص) در رساندن این خبر به مردم که **«خدا و رسولش از مشرکین بیزارند.»** و اعلام به مشرکان که «بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید.»، بیانگر **بیزاری از دشمنان خدا** است ب- آیه ی شریفه ی: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله»(بیزاری از دشمنان خدا)

۴. **مبارزه با دشمنان خدا**

آرام و قرار نگرفتن دوستدار فضیلت ها و کرامتها پس از دیدن زشتی و نامردمی و ستم در جهان

بودن جهاد در برنامه ی تمام پیامبران الهی و به شهادت رسیدن بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران ها

زیر پا گذاشتن حقوق ملت ها توسط مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع و لذاید دنیایی خود و برطرف کردن این رنج فقط از **طریق مبارزه ممکن** است

مفهوم آیه ی: «قد کانت لکم أسوه حسته فی إبراهیم و الذین معه إذ قالوا لقومهم إنا برا منکم » .(مبارزه با دشمنان خدا)

جمله ی **«لا اله الا الله»**: **«پایه و اساس بنای اسلام»**، **«مرکب از نفی و اثبات»** و «نه» به غیر خدا و «آری» به خدای یگانه است.

دین داری دو پایه ی دارد: **تولی** (دوستی با خدا) و **تبری** (بیزاری از باطل) است و به میزانی که دوستی با خدا عمیق تر باشد نفرت از باطل هم عمیق تر است.

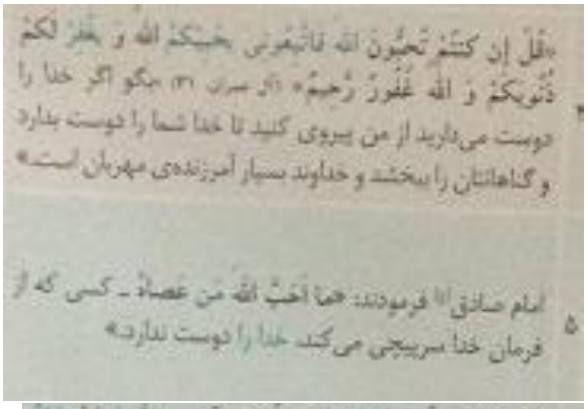
امام خمینی(ره) بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می گوید: «تحقق دیانت، با اعلام محبت و وفاداری نسبت به ! حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ ...»

نکته: تمام عبارت های این قسمت، **بیانگر «بیزاری از دشمنان خدا»...**

شعری منسوب به امام صادق: خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟ به جان خودم این رفتاری نگفته است. اگر سر دوستی ات راستین بود، اطاعتش می کردی؛ زیرا دوستدار مطیع محبوب خود است.» |

پیام: ۱- این سفر، با آیه ی شریفی: «قل ان کنتم تحبون لله ، بیانگر **پیروی از خداوند** می باشند.

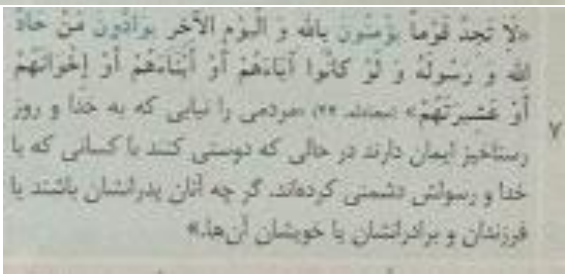
پیروی از خداوند


«قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران ۳۱) بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خداوند بسیار آمرزنده‌ی مهربان است.»

پیروی از خداوند

۵ امام صادق(ع) فرمودند: «ما أَحَبَّ اللَّهَ مَنْ عَصَاهُ ـ کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند خدا را دوست ندارد.»

بیزاری از دشمنان خدا


۷ «لَا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» (مجادله، ۲۲) «مردمی را نیابی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند در حالی که دوستی کند با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی کرده‌اند. گر چه آنان پدرانشان باشند یا فرزندان و برادرانشان یا خویشان آن‌ها.»

تناسب میان ظاهر و باطن در اراستگی

خوش باطنان بدظاهر در توجیه **ظاهر نامناسب** خود می گویند: «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد !» پاسخ به آنها: ۱- دل پاک و باحیا و عفیف (علت)، ظاهر پاک و باعفاف را به دنبال می آورد. ۲- **از کوزه همان برون تراود که در اوست. (تأثیر درون بر بیرون)** ۳- کسی که حقیقتی را از صمیم قلب دوست دارد، هر روز کاری برضد آن انجام نمیدهد ۴- **دل به هرجا رود (علت)، عمل هم به همان جا می رود. (تاتیر درون بر بیرون)**.

عفاف : «یک **حالت روحی و فضیلت اخلاقی**» است. (مربوط به گرایش به نیکی و زیبایی) که سبب می شود «**اندام ظاهری وسیله ی خودنمایی** و جلب توجه قرار نگیرد.»

ویژگی های انسان با عفاف : ا- حیا دارد به خاطر بدنش مورد توجه و تحسین و تمجید دیگران باشد. ۲- آراسته است ولی جسم او وسیله ی جلب توجه دیگران نیست. ۳- خود را بزرگتر از آن می یابد که به عنوان ابزاری برای لذت جویی به او نگاه کنند

به میزان ضعیف شدن عفاف در روح نوع آراستگی تغییر کرده و پوشش **جنبه ی خودنمایی** می گیرد

با استحکام عفاف ، «پوشش و آراستگی ظاهری، جلوه گاه از زیبایی های روح و شخصیت متعالی انسان می گردد.»

از نظر امام صادق (ع)، «لباس نازک و بدن نما»، نشانه ی «**سستی و ضعف دین**» است.

از نظر امام علی(ع) «خودآرایی برای دیگران»، «**با انجام گناه به جنگ با خدا برخاستن**» است

هر انسان با فضیلتی، اعم **از مرد و زن** عفاف دارد اما در زنان و دختران ارزش بیشتر و برتری دارد.

رابطه عزت نفس و حجاب:

«عزت»، در مقابل **حقارت و ذلت** قرار دارد. ۲- انسان «عزیز»، «حقارت و پستی را نمی پذیرد» و «تن به شکست و زبونی نمیدهد» ۳- بزرگترین شکست، **شکست روحی و معنوی** است. ۴- یکی از اقسام پستیها و حقارتها آن است که افراد هوسران و گناهکار به انسان به چشمان - هوس رانی های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه ننمایند. ها انسان دارای عزت نفس ، این حقارت و پستی نگریسته شدن به چشم هوس را نمی پذیرد و زیبایی و آراستگی خود را در پوششی از حجاب نگه میدارد تا شخصیت متعالی خود را از دست ندهد.

امام علی(ع) می فرماید: «آراستگی از **اخلاق** مؤمنان است.» .

- امام صادق (ع) می فرماید: «خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می آید.»

- امام صادق (ع) می فرماید: «دو رکعت نماز که با **بوی خوش گزارده** شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.»

هنگامی که رسول خدا(ص) می خواست با دیگران ملاقات کند، به آینه نگاه می کرد، موهای خود را نشانه می زد و مرتب می ساخت و می فرمود: «خدای تعالی دوست دارد وقتی که بنده اش به سوی دوستانش میرود خود را **آماده و آراسته کند.»** پیام: ۱- دین اسلام، دین آراستگی و زیبایی **ظاهر و باطن** است.۲- پیشوایان ما نه تنها در زیبایی باطنی خود می کوشیدند، بلکه به زیبایی و آراستگی ظاهر هم توجه داشتند و یاران خود را نیز به رعایت آن دعوت می کردند.

امام صادق (ع) می فرماید: «لباس نازکه و بدن نما نپوشید ؛ زیرا چنین لباسی نشانه ی سستی و ضعف دین است.» و امام علی نیز می فرماید: «بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.»

انواع محارم

در مردان:

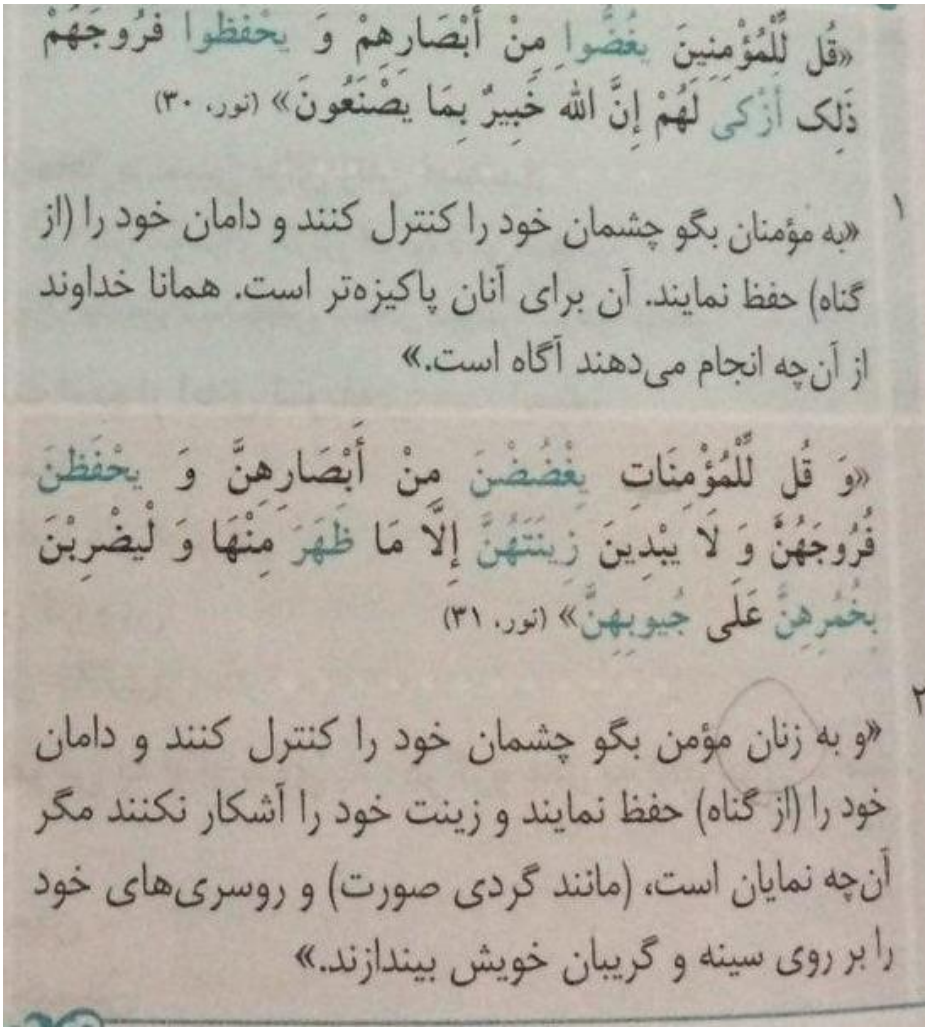
الف: نسبی به سبب خویشاوندی: ۱- مادر و مادر بزرگ ۲. خواهر و بچه ها و نوه های خواهر ۳ دختر و نوه های دختر ۴- دختر برادر و نوه های او ۵- عمه و عمه ی پدر و مادر ۶ خاله و خاله ی پدر و مادر ۷- نوه های دختر پسر

ب: سببی به سبب ازدواج: ۱- مادر زن و مادر بزرگ او ۲- زن پسر (عروس)

در زنان:

الف: نسبی به سبب خویشاوندی: ۱- پدر و پدر بزرگ ۲- برادر و بچه ها و نوه های او ۳- پسر و نوه های پسر ۴- پسر خواهر و نوه های او ۵- عمو و عموی پدر و مادر۶- دایی و دایی پدر و مادر ۷- نوه های پسری دختر

ب : محارم نسبی که به سبب ازدواج محرم می شوند: ۱- پدر شوهر و پدر بزرگ او ۲- شوهر دختر (داماد)
توجه: حرمت ازدواج با خواهر زن تازمان بقای همسر خواهرش و وجوب رعایت احکام حجاب نسبت به هم


«قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (نور، ۳۰)

۱ «به مؤمنان بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند. آن برای آنان پاکیزه‌تر است. همانا خداوند از آن‌چه انجام می‌دهند آگاه است.»

«وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» (نور، ۳۱)

۲ «و به زنان مؤمن بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند و زینت خود را آشکار نکنند مگر آن‌چه نمایان است، (مانند گردی صورت) و روسری‌های خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیندازند.»

1 -مفهوم آیات » وظایف مردان این است که ابتدا چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند (یغضوا من أبصارهم) و دوم اینکه دامان خود را از گناه حفظ کنند. (و یحفظوا فروجهم)
۲- رعایت کنترل نگاه» و «پاکدامنی»، برای آنان پاکیزه تر است. (ذلک از کیِ لهم وظایف زنان مؤمن این است که:| اول: از نگاه به نامحرم خودداری کنند ابغضضن من أبصارهن) دوم دامان خود را از گناه حفظ نمایند (و یحفظن فروجهنا سوم: استفاده از زینت و زیور آلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند. (ولا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها) چهارم: حجاب خود را به گونه ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند. (ولیضربن بخمرهن علی جیوهنه نکته: موارد سوم و چهارم مربوط به تعیین حدود حجاب است.

رسول خدا :

نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه ی شیطان است. هر کی به پاس حرمت الهی آن را ترک کنده خدا **ایمانی** به او می دهد که شیرینی آن را در دل احساس می نماید»

امام کاظم در جواب برادرش که پرسید: دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟ فرمود: **چهره و دست تا مچ**

پیام: این روایت، **حدود** پوشش زن را از نظر اسلام بیان می کند و مفهوم این قسمت ایهی: «إلا ما ظهر منها» می باشد.

یکی از باران امام صادق ها به نام فضیل بن یسار می گوید از ایشان پرسیدم: آیا ساعد زن از قسمتهایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟ فرمود: بلی، آنچه زیر روسری قرار می گیرد نباید آشکار شود. همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود

پیام: این روایت، **حدود** پوشش زن را از نظر اسلام بیان کرده است و مفهوم این قسمت آیهی: «إلا ما ظهر منها» می باشد.

امر به معروف و نهی از منکر

جایگاه **دعوت به خیر و نیکی** در ایات قران: **مقدم و قبل** از امر به معروف است.

بهترین و موثرترین روش انجام دعوت به خیر: **روش عملی** است.

امر به معروف و نهی از منکر :

به واجبات و مستحبات «معروف» و به محرمات و مکروهات منکر گفته میشود

دلیل ضرورت آن به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان ها» و «تأثیرپذیری فراوان افراد از یکدیگر

در صورت نبودن اقدام مناسب (نظارت همگانی به صورت امر به معروف و نهی از مکر) رفتار گناهکار مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می کند

احیای امر به معروف و نهی از منکر **هدف** از شهادت امام حسین و یارانش بود

نتایج ترک آن از نظر امام علی: **تسلط افراد شرور** بر جامعه و **عدم اجابت دعا**

انار اجتماعی انجام آن از نظر امام باقر: ۱- برپا شدن **همه واجبات** با آن ۲. برقرار شدن **امنیت**

پیامبرانی که قوم بنی اسرائیل را لعن کردند: **حضرت داود و حضرت عیسی:** به دلیل نافرمانی از خدا و غرق شدن در گناه

نتیجه ی امر به معروف و نهی از منکر از نظر پیامبر اسلام: **شریک شدن** در آن خیر و نیکی

نقش آن در سعادت جامعه از نظر امام علی : تمام کارهای نیک **چون قطره ی ابی در برابر دریای پهناور**

موارد بالا همگی مرتبط با امر بمعروف و نهی از منکر است

شرایط امر و نهی

شرایط وجوب :

۱.بداند حکم عمل را (بداند چیزی را که ترک کرده از واجبات است و آنچه را انجام داده، از محرماته است)

۲- بداند تکرار می کند. بداند شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد.

۳- احتمال بدهد که فلان روش برای امر و نهی او مؤثر واقع می شود

۴- بداند که در این امر و نهی او مفسده ای نیست

موارد عدم وجوب :

۱-اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی کند، واجب نیست. .

۲. اگر بداند یا احتمال بدهد که امر و نهی او ضرر جانی یا ابرویی یا مالی قابل توجه دارد، واجب نیست

مطالب بالا همه شرایط امر و نهی بودند و پایین همه مراحل امر و نهی هستند و مهم است که بدانید هر خط مربوط به شرایط است یا مراحل..

مراحل امر و نهی

مرحله اول : رفتاری = با گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد به خاطر گناه او بوده است مثال: روی گردانیدن از گناه کار یا اخم کردن به او

مرحله دوم : زبانی = لازم است اکتفا کردن به موعظه و نصیحت, اگر احتمال دهیم با انجام آن، از گناه دست بر می دارد. بهره گرفتن از شیوه های تربیتی و استدلال و منطقه برای افزایش میزان تاثیرگذاری» و پی بردن بهتر گناه کار به عواقب و نتایج عمل خود.»

مرحله سوم : جبری = بازداشتن از انجام حرام یا وادار کردن به واجب، در زمانی که بدانیم راه دیگری وجود ندارد

انجام این مرحله در جامعه، در حوزه ی **مسئولیتهای حاکم اسلامی و مشروط به اجازه ی اوست**.

روش امر و نهی از نظر امام خمینی (ره):

۱- مرتکب گناهی نشدن در انجام آن مانند دروغ، توهین و تحقیر ۲- رفتار کردن با گناه کار مانند طبیبی مهربان۳- رعایت کردن مصلحت مخاطب ۴- پرهیز از خودخواهی و خودستایی ها ۵-انجام آن تنها به قصد رضای خدا ۶- خود را منزه از گناه و برتر از گناهکار ندیدن ۷- وجوب تکرار آن در صورتی که بداند و با احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار مؤثر است

امام صادق (ع) می فرماید: «دعوت کننده ی مردم باشید اما نه با زبان، **بلکه با پارسایی، تلاش، نماز ونیکی**، که این رفتارها خوددعوت کننده هستند.»

پیام: بهترین و مؤثرترین روش دعوت به خیر و نیکی، **روش «عملی»** و مصادیق آن **«پارسایی، تلاش، نماز و نیکی»** است.

حضرت علی(ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که در واقع وصیتی به همگان است، می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می شوند و آنگاه هرچه دعا کنید به اجابت نرسد.»

امام باقر(ع) می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر فریضه ی بزرگ الهی است که: همه ی واجبات با آن برپا می شود و به بوسیله ی آن امنیت برقرار می گردد کسب و کار مردم حلال و حقوق افراد تامین میشود و در سایه ی آن آبادانی می آید و از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.»

امام صادق (ع) درباره ی یک دسته از افراد قوم بنی اسرائیل می فرماید: «گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند و اما هنگامی که آنها را ملاقات می کردند، به روی آنها می خندیدند و با آنان مأنوس می شدند.» و پیام: این گروه، به دلیل ترک نهی از منکر و تأیید کارهای ناپسند دیگران با رفتارشان، در سرنوشت جامعه شریک شدند.. .

رسول خدا(ص) می فرماید: «هر کس به کار نیکی امر یا از کار بدی باز دارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آنها را فراهم سازد، در آن عمل خیر سهیم و شریک است. و همچنین، هر کس أمر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.»

امام علی (ع) می فرماید: «تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر **امر به معروف و نهی از منکر** چون قطره ی آبی است در برابر دریای پهناور»

انفاق و مالیات

تامین نیازهای جامعه از دو طریق است: انفاق و مالیات .

تأمین هزینه های ناشی از خلاها و شکافهای جامعه و کارهای عام المنفعه: از طریق انفاق (تأمین زندگی نیازمندان، تحصیل نیروهای که تمکن کافی ندارند، افراد مقروضی که توان پرداخت قرض خود را ندارند ساختن مساجد و کتابخانه ها و ...)

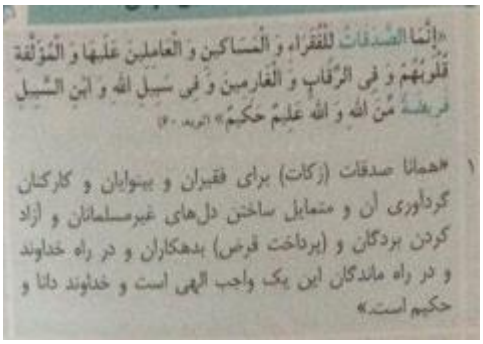
انواع انفاق: **واجب (زکات و خمس) مستحب (صدقه)**

زکات

عبادت تاکید شده **پس از انجام نماز** در قران در بسیاری موارد پرداخت زکات است.

مواردی که زکات بر آنها تعلق میگیرد : **غلات (گندم، جو خرما و کشمش) دامها (شتر، گاو و گوسفند) سکه ها (طلا و نقره)**
حد نصاب در زکات: هر یک از اموال باید به **حد معین با تعداد معین** برسد. هر یک از آنان حد نصاب خاصی دارند

زکات طلا و نقره به صورت **سکه ای** باشد که معامله با آن رواج دارد پس **زیورآلات خانمها زکات ندارد**


«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه - ۶۰)

«همانا صدقات (زکات) برای فقیران و بینوایان و کارکنان گردآوری آن و متمایل ساختن دل‌های غیرمسلمانان و آزاد کردن بردگان و (پرداخت قرض) بدهکاران و در راه خداوند و در راه ماندگان این یک واجب الهی است و خداوند دانا و حکیم است.»

مواردی که زکات به آن ها تعلق میگیرد در آیه بالا .

زکات فطره :

شرایط وجوب:

الف: موقع غروب شب عید فطر

ب : کسی که بالغ» و «عاقل» و هشیار است و فقیر نیست برای خودش و کسانی که نان خور او هستند،

ج : هر نفر به **میزان ۳ کیلوگرم** گندم یا جو یا خرما با برنج و مانند اینها به مستحق بدهد اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی است

زکات فطره بر چه کسانی واجب نیست: ۱- کسی که دیگری باید فطره ی او را بدهد ۲- کسی که فقیر است. (نمیتواند مخارج مال خود و خانواده اش را تأمین کند و کسی هم ندارد که بتواند آن را پرداخت کند

خمس :

مواردی که خمس بر آنها تعلق می گیرد: **هفت چیز** است که رایج ترین آنها **" منفعت کسب و کار " است**.

منفعت کسب: کسانی که از طریق کار. درآمدی دارند. پس از صرف هزینه های سالانه ی زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم باقی مانده را به عنوان خمس بپردازند.:

حساب سال : تعیین **یک روز از سال**، برای روز تعیین میزان خمس اموال خود ، تا ببیند که آیا پرداخت خمس بر عهده ی او هست یا نه.

۲- پس از گذشت یک سال و رسیدن به روز موعود **پرداخت یک پنجم از باقی مانده ی درآمد خود** (پول و کالا) به **حاکم اسلام و با مجتهد جامع الشرایط** تا ایشان در راههایی که **قرآن کریم و پیامبر (ص) و امامان** معین کرده اند، به مصرف برساند

احکام خمس: ۱- استفاده از مالی که خمس آن پرداخت نشده، جایز نیست. (با پولی که خمس آن پرداخت نشده نمی توان چیزی خرید) ۲- نماز خواندن در خانه ای که با پولی خریداری شده که خمس آن داده نشده است. باطل است. ۳- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند یک پنجم آن چیز مال او نمی شود |

تعلق خمس بر آذوقه: آذوقهای که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریده شده است . مانند برنج، روغن و چای - اگر در أخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن چه باقی مانده است، پرداخت شود

پرداخت خمس بر بچه ای که سرمایه ای دارد و از آن منافعی به دست آید: بنابر احتیاط واجب بعد از بلوغ است

تعلق خمس بر زیور الات خانم ها: اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آنها باشد و جنبه ذخیره به خود بگیرد **قسمت اضافی** آن دارای خمس است



«إِنَّما الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَ
قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ ابْنِ السَّبِ
فَرِيضَةً مِنَ اللهِ وَ اللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۶۰)

۱ «همانا صدقات (زکات) برای فقیران و بینوایان و کارکنا
گرداوری آن و متمایل ساختن دل‌های غیرمسلمانان و از
کردن بردگان و (پرداخت قرض) بدهکاران و در راه خداو
و در راه ماندگان این یک واجب الهی است و خداوند دانا
حکیم است.»

«وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ
لِذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (انفال، ۴۱)

۲ «و بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، یک پنجم آن
برای خداست، و برای پیامبر و برای خویشاوندان و یتیمان و
بینوایان و در راه‌ماندگان است.»

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيها» (هود، ۶۱)

۳ «او شما را از زمین آفرید و شما را به آباد کردن آن وا داشت.»

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ
وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ»
(بقره، ۲۷۸ و ۲۷۹)

۴ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید پروای خدا داشته باشید و
آن‌چه از ربا باقی می‌ماند را رها کنید اگر مؤمن هستید پس
اگر چنین نکنید با خدا و رسولش اعلان جنگ دهید. و اگر
توبه کنید، سرمایه‌هایتان از آن خودتان تا نه ظلم کنید و نه
مورد ظلم واقع شوید.»

موارد‌ی که زکات به آن ها تعلق می گیرد

موارد‌ی که خمس به آن ها تعلق می گیرد

مفهوم آیه : رباخواری

روزه و احکام آن :

تعریف روزه: انسان برای انجام فرمان خداوند، از اذان صبح تا مغرب از کارهایی که روزه را باطل می کند، خودداری نماید

نیت روزه: می توان در هر شب از ماه رمضان برای فردای آن نیت کرد و بهتر است که شب اول ماه، نیت روزه ی همه ی ماه را نماید.

مبطلات روزه نه چیز است: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر(ع)، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح و قی کردن.

احکام روزه: ۱- خوردن یا آشامیدن سهوی چیزی برای روزه دار = روزه اش باطل **نیست**

۲- خوردن عمدی چیزی که لای دندان مانده است = روزه اش باطل **میشود.**

«خوردن روزه به خاطر ضعف» = نمی تواند

«افطار کردن روزه در صورتی **که نمیتوان ضعف** را تحمل کرد» = میتوانند

فرو بردن عمدی **تمام سر** در آب، حتی اگر باقی بدن از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرد.

فرو رفتن تمام بدن در آب به صورتی که **مقداری از سر او بیرون باشد** روزه اش باطل نیست

غسل جنابت نکردن تا اذان صبح **از روی عمد** و یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمدا تیمم ننماید =نمی تواند روزه بگیرد.

غسل نکردن از روی سهل انگاری تا وقت تنگ شود = روزه اش با تیمم صحیح، ولی برای غسل نکردن، معصیت کرده است.

قضای روزه را تا رمضان آینده نگرفتن برای کسی که به علت عذری مانند بیماری نتوانسته روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذرش برطرف شده = «قضای روزه» و «دادن یک مُد (تقریبا ۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند آنها به فقیر» برای هر روز

۹- نگرفتن عمدی روزه ی ماه رمضان = «قضای روزه» و «کفاره» بر او واجب است، یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد. (به هر فقیر یک مد) و این کار باید تا رمضان آینده انجام شود.

شرایط مسافر در ماه رمضان (برای روزه نگرفتن)

1 - رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲,۵ کیلومتر) باشد و مجموعه ی رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.
۲- بخواهد کمتر از ده روز بماند. (کسی که بخواهد ده روز و بیشتر بماند، نمازش کامل و روزه بگیرد.)

2 - ۳- برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد. (سفر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با ظالم»، باید روزه بگیرد. سفر غیر واجب و با نهی پدر و مادر برای فرزند ، نمازش را تمام بخواند و روزه بگیرد.) . .

احکام سفر و مسافر

۱- اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد :

الف: چنانچه کاری که روزه را باطل می کند، انجام نداده، «باید آن روز را روزه بگیرد.

» ب- و اگر کاری که روزه را باطل می کند، انجام داده، روزه ی آن روز بر او واجب نیست.»

۲- اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد = نباید آن روز را روزه بگیرد.

۳- اگر روزه دار، بعد از ظهر مسافرت کند = باید روزه ی خود را تمام کند

۴-اگر روزه دار، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود

الف.. وقتی به حد ترخص برسد (یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند، باید روزهای خود را باطل کند)

ب- و اگر پیش از رسیدن به حد ترخص روزه اش را باطل کند، کفاره بر او واجب است.

پایان سال دوم دین و زندگی

سال سوم دین و زندگی

چراغ های تشخیص هدف :

عقل : انسان به کمک عقل خود میداند که: «جهان مبدأ و آفریدگاری دارد» و **«اینده ای روشن** در انتظار اوست.» و اینکه «نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این مسائل نیازمند هدایت الهی است.»

انبیا : خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسانها برساند و هدایتشان کند بنابراین، انسان دلیلی برای توجیه ناکامی های خود ندارد، و اگر عاقلانه بیندیشد، راه دستیابی به همه ی نیازها برای وی مشخص شده است. (لئلا یکون للناس علی اله حجه بعد الرسل) (

نتیجه گیری :

۱- پاسخ نیازهای برتر در **دین و تعالیم الهی** آمده است و **عقل وسیله ی فهم** پیام الهی است

۲- هر کس با تفکر در پیام الهی بیندیشد، به پاسخ نیازهای برتر خواهد رسید

انواع هدایت : **هدایت عمومی** : شامل عام و خاصه و **هدایت تشریعی** (ویژه انسان)

هدایت عمومی عام : تعریف: خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر مخلوقی را برای هدفی حکیمانه آفریده است و آن را به سوی هدفش هدایت می کند. (آفرینش بی هدف، نشانه ی نقص و ضعف و ناگاهی است)

بیانگر: **«خلقت = هدایت * هدف»**

آیه ی مربوطه: «ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی» **(هدایت عام)**

هدایت عمومی خاصه : تعریف: دادن **استعدادهای ویژه و خلقت خاص** به هر مخلوقی متناسب با هدف خاص آن موجود

در مورد انسان: **ویژگی ها و ارزش هایی** که خدا در وجود انسان (**عقل و اختیار** قرار داده، متناسب با هدف خلقت انسان، تقرب به خداوند بوده و سبب تمایز بنیادین او از سایر موجودات شده است.

آیه ی مربوطه: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» **(هدایت عمومی خاصه)**

هدایت تشریعی ویزه انسان : تعریف: اعطای رسل - ارسال انبیای الهی و وحی خاص - فرستادن کتاب آسمانی و دین الهی علت این هدایت: چون عقل انسان نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد، خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسانها برساند و هدایتشان کند

آیه ی مربوطه: «رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجۀ بعد الرسل» **(هدایت تشریعی)**

سخن امام کاظم به شاگرد برجسته ی خود هشام بن حکم: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این **بندگان در پیام الهی تعقل کنند**. کسانی پیام الهی را بهتر می پذیرند **که از معرفت برتری برخوردار باشند**. آنان که **در تعقل و تفکر برترند** نسبت به فرمان های الهی داناترند. و **آن کس که عقلش کامل تر است رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است**

خداوند دو حجت بر مردم دارد: حجتی **آشکار** که رسولان و انبیا و ائمه اند و **حجتی نهان**، که همان عقل انسان هاست.» و

برای **تشخیص درست هدف**، خداوند دو چراغ راه به انسان داده است: عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون.

برنامه کلی انبیا : **به دلیل فطرت مشترک**، خداوند یک برنامه ی کلی به انسانها داده تا آنان را به هدف مشترک خلقتشان برساند و **برنامه ی کلی پیامبران، اسلام نام دارد** که به معنای تسلیم بودن در برابر خداست. **(إن الدین عند الله الإسلام)**

وحدت در اصول دعوت: همه ی پیامبران مردم را به این محورها دعوت کرده اند. به همین جهت **محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان بوده است و همه ی آنها آورنده ی یک دین بوده اند.** .

تفاوت تعالیم پیامبران: در **برخی از احکام فرعی** مانند چگونگی انجام نماز و روزه، زکات، احکام خانواده **(تفاوت در شریعت)**

اشتراک پیامبران: در محورهای **اصلی** و **اصل بسیاری از احکام**، مانند نماز، روزه، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.

دلایل آمدن پیامبران متعدد :

۱. لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن

الف- لازمه ی استقرار و ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است

ب- تداوم دعوت سبب شد که «تعالیم الهی در میان مردم بماند» و «جزء آداب و فرهنگ آنان شود.» و «کسانی نتوانند به سادگی آن را از میان جامعه بشری بیرون کنند.»

۲. رشد تدریجی سطح فکر جوامع

۱- بعثت پیامبران جدید در هر دوره ای، برای بیان اصول ثابت دین الهی در خور فهم و اندیشه ی انسان های دوران خود بوده است. ۲- سخن گفتن متناسب با درک مردم زمان خود به منظور درک پیام الهی در حد فهمشان بود. ۳- آیه ی شریفهی: **وما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه » ۴- سخن پیامبر(ص): «نحن معاشر الأنبیاء أمرنا أن نکلم الناس علی قدر عقولهم »**

۳. از بین رفتن یا تحریف تعلیمات پیامبر پیشین

الف: فراموش شدن تدریجی تعلیمات انبیا یا عوض شدن آنان به علت ابتدایی بودن سطح و فرهنگ و زندگی اجتماعی» و «عدم توسعه ی کتابت » عاملی بود برای آمدن پیامبران بعدی و ابلاغ تعلیمات اصیل و تحریف نشده به انسانها

منشا اختلاف و چند دینی آن دسته از **رهبران دینی** که به خاطر «حفظ مقام و موقعیت و منافع خود در برابر دعوت پیامبر جدید، ایستادند و پیامبری او را انکار کردند.

وحی :

ا- در قرآن اختصاص به **پیامبران ندارد.**

۲- **عالی ترین در جه ی** آن (القای معانی و معارف به قلب پیامبر از سوی خدا و سخن گفتن خدا و جبرئیل با او)مخصوص پیامبران است

۳- از این طریق عالی ترین درجه برنامه ی هدایت الهی به پیامبران داده میشد.

اعجاز :

1 -کارهای خارق العاده ی پیامبران به اذن خداوند است تا مردم دریابند که از طرف او مامور به پیامبری شده اند.

2 - ۲- قرآن کریم **این آثار خارق العاده را «آیت» و دانشمندان اسلامی آن را «معجزه» می نامند.**

عصمت :

الف: لازمه ی به درستی انجام گرفتن مسئولیت پیامبری» و «پذیرش گفته ها و هدایت های انبیا از سوی مردم » و «پیروی کامل مردم از انبیا»، **مصونیت انبیا از گناه و اشتباه** است.

ب: **"ایمان و تقوا»** علت عصمت از گناه و **«بینش عمیق»**، علت عصمت از خطا و اشتباه است.

در صورت نبودن عصمت در **دریافت و ابلاغ وحی** :

۱- به درستی نرسیدن دین الهی به مردم از ۲- سلب شدن امکان هدایت مردم

نبودن عصمت در **تعلیم و تبیین دین:**

۱- پیدایش امکان انحراف در تعالیم الهی ۲- سلب شدن اعتماد مردم به دین

نبودن عصمت در **اجرای فرمان الهی:**

۱- امکان انجام دادن کارهایی مخالف دستورات الهی از سوی پیامبر ۲- مبتلا شدن به گمراهی و انحراف

علل ختم نبوت :

۱. آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی

الف : رسیدن بشر به رشد عقلی و بلوغ فکری» ب: پاسخ دادن به نیازهای فردی و اجتماعی خود به کمک کامل ترین برنامه » ج- «نزول کتاب قرآن برای پاسخ گویی به نیازهای هدایتی بشر در طول زمان» د : دست یافتن به دروازه های جدیدی از معرفت با تفکر در قرآن »

۲. حفظ قران کریم از تحریف

الف معلول این سه مورد است: «عنایت الهی» و «اهتمام پیامبر (س) در جمع آوری و حفظ قرآن» و «تلاش و کوشش مسلمانان در دوره های مختلف

۳. وجود امام معصوم پس از پیامبر

وتعیین امام از طرف خداوند عاملی بود بر تداوم مسئولیتهای پیامبر، **به جز دریافت وحی** تا جامعه از این جهت کمبودی نداشته باشد. .

۴. پیش بینی راه های پاسخ گویی به نیازهای زمانه

امکان پاسخ دادن به سؤال ها و نیازهای جوامع در همه ی دوره ها در صورت : مراجعه به قرآن و سنت» و به شرط: استفاده از روش درست تحقیق و توسط متخصصان دین تدوین شده» و «داشتن دانش لازم و بصیرت کافی..

ویژگی های دین اسلام برای انطباق با نیازهای متغیر زمان

۱. توجه به نیازهای متغیر در عین توجه به نیازهای ثابت

الف- نیاز های ثابت: نیازهایی که در همه ی زمان ها برای بشر وجود دارند و دین اسلام برای هر کدام از اینها، قوانین ثابت و مشخصی دارد. مانند: **نیاز به امنیت، عدالت، شغل، معاشرت ، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت»** این نیازها، ثابت اند ولی شیودی پاسخ دادن به آن ها متغیر است.)

ب: نیازهای متغیره در درون نیازهای ثابت قرار دارند ولی برای پاسخ دادن به این نیاز ها، در طول زمان از روش ها و شیوه های مختلف و متغیر استفاده می کنند. مانند: **«نیاز به دادوستد که نیاز ثابت است، اما شیوه و چگونگی دادوستد که بر حسب زمان متغیر است.»**

۲. وجود قوانین تنظیم کننده

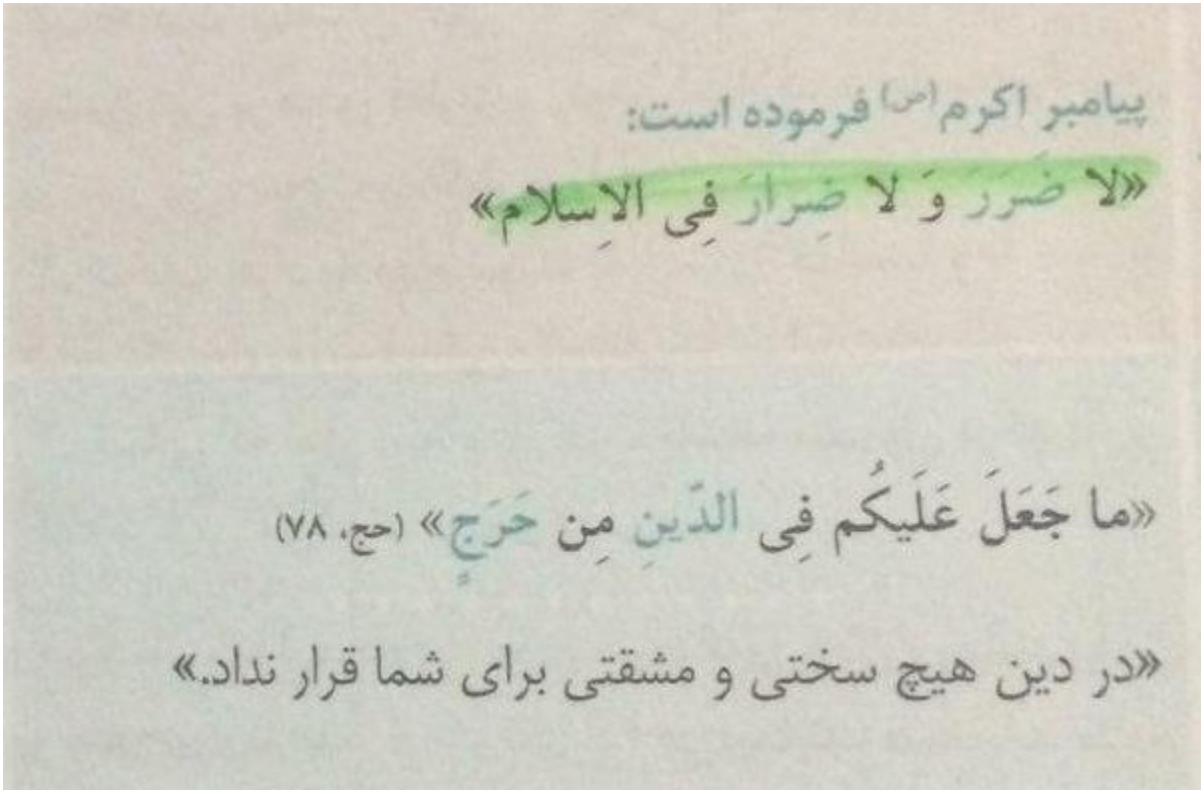
این قوانین به مقررات اسلامی، خاصیت انطباق و تحرک داده اند. ۲- بر همه ی احکام و مقررات اسلامی، تسلط دارند ۳- مانند **بازرسان عالی** احکام و مقررات را تحت نظر داشته و کنترل می کنند.

مثال : ۱- «حرمت روزه برای مکلفی که روزه گرفتن برایش ضرر دارد» و «حرمت استفاده از امکانات خصوصی در صورت آزار رساندن به دیگران»، با استناد به این حدیث پیامبر (صلی «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام»

1 - ۲- «خروج مسلمان یا جامعه ی اسلامی از اضطرار در هنگام اجرای یک قانون با حکم فقیه و متخصص دین» .

۳. اختیارات حاکم و نظام اسلامی

پاسخ گویی به نیازهای جدید در مسائل اجتماعی» و در شرایط خاص جامعه که نیازمند قوانین ویژه است.» مانند اجرای قوانین بیمه و بانکداری در چارچوب قوانین اسلام توسط حاکم اسلامیه



- این حدیث، یک **قانون تنظیم کننده** است. ۲- «وجود قوانین تنظیم کننده» در دین اسلام به منظور پیش بینی راههای پاسخ گویی به نیازهای زمانه»، به عنوان چهارمین دلیل برای ختم نبوت است.

۱- آیه دوم، بیانگر یک قانون تنظیم کننده است به منظور پاسخگویی به نیازهای زمانه» در راستای ختم نبوت است ۲- براساس این قاعده، اگر مسلمانی یا جامعه ی اسلامی در اجرای یک قانون دچار اضطرار شود، می تواند با تنشر فقیه و متخصص دین آن را به شکلی انجام دهد که از اضطرار بیرون آید. "

علت معجزدها: معجزه ها به اذن خدا انجام می شدند و **فقط برای اثبات نبوت پیامبران** به کار میرفتند

از معجزه های **حضرت موسی «تبدیل شدن عصایش به ماری بزرگ» و «ید بیضاء»**

و از معجزه های **حضرت عیسی: شفا دادن بیماران لاعلاج» و زنده کردن مردگان»**

دعوت به مبارزه قرآن از مخالفان**(تحدی): اگر در الهی بودن قرآن شک دارند، یک سوره مانند آن بیاورند**

آسان ترین راه برای غیر الهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم: آوردن سورهای مشابه یکی از سوره های این کتاب الهی

(توجه : لطفا حتما فیلم ها و سایر فایل های آموزشی تکمیلی دین و زندگی را از سایت مدآموز یا پیج تک نرس دریافت کنید)

TakNurse@ www.Medamooz.ir

اعجاز محتوایی قران کریم :

الف : انسجام درونی در عین نزول تدریجی

۱- «وجود نداشتن تجدید نظر و اصلاح در آیات قرآن همانند نوشته های بشری»

۲- درباره ی موضوعات متنوع (توحید، معاد، انسان، نظام خلقت، سرگذشت پیامبران، نظام اجتماعی، , اخلاق و احکام) سخن گفتن که میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست.»

۳-«آیات قرآن دقیق تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگ اند.»

ب : تاثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت

۱- «تأثیر نپذیرفتن قرآن کریم از فرهنگ مردم حجاز »

۲- «مبارزه شدید با آداب جاهلی و رسوم خرافی»

۳- «اصلاح جامعه»

۴- «طرح آرمان های مقدس بشریت (عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوقبرابر انسانها) سخن گفتن در فضای جاهلیت اعراب »

ج : جامعیت و همه جانبه بودن :

۱- سخن گفتن در مورد همه ی مسائل مهم و حیاتی انسان که در هدایت بدان نیاز دارد.

أ۲- فقط از امور معنوی یا آخرت و رابطه ی انسان با خدا سخن نگفته است

۳- از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیتهای اجتماعی و رابطه ی وی با انسان های دیگر سخن می گوید

۴- برنامه ای جامع و همه جانبه در اختیار انسان قرار میدهد

د : تازگی و شادابی دایمی :

۱- کهنه نشدن قرآن کریم با پیشرفت زمانه» با ۲- «گشودن افق های جدیدی از حکمت و معرفت به روی جویندگان»

۳- «کتاب دیروز، امروز و فرداهای انسان هاست.» | ۴- «نمایان شدن درخشندگی و شادابی بیشتر قرآن با گذشت زمان و رسیدن انسانها به درجات عالی تری از فرهنگ و دانش»

تحدی

«وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللهِ إِنْ كُنتُمْ صَادِقِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَ لَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره، ۲۳ و ۲۴)

۱

«و اگر تردیدی دارید درباره‌ی آن‌چه بر بنده‌ی خود نازل کردیم پس سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را فرا خوانید به‌جز خدا اگر راست می‌گویید پس اگر انجام ندادید و هرگز انجام نخواهید داد پس بترسید از آتشی که هیزمش آدمیان و سنگ‌هاست برای کافران آماده شده است.»

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ وَ لَو كَانَ مِن عِندِ غَيرِ اللهِ (علت) لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (معلول) (نساء، ۸۲)

۲

«آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند اگر از نزد غیر خدا می‌بود در آن ناسازگاری بسیار می‌یافتند.»

«وَ مَا كُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ» (عنکبوت، ۴۸)

امی بودن پیامبر

۳

«و پیش از آن هیچ نوشته‌ای نمی‌خواندی و با دست خود آن را نمی‌نوشتی که در آن صورت کجروان به شک می‌افتادند.»

قلمروهای رسالت

الف : دریافت و ابلاغ وحی

انجام این مسئولیت به طور کامل توسط پیامبر بود

نوشتن ایات توسط کاتبان و حفظ آن توسط حافظان وحی برای حفظ پیام الهی و امکان دسترسی مردم به آن

حضرت علی اولین و برترین کاتب و حافظ قران بود.

ب : مرجعیت دینی (تعلیم و تبیین تعالیم وحی)

۱- تعلیم و تبیین قرآن کریم، برای دست یافتن مردم به معارف بلند. این کتاب و «فهم جزئیات احکام و قوانین» و «آموختن شیوه ی عمل کردن به آن».

۲-**گفتار و رفتار پیامبر اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق ایات الهی است**

۳- پی بردن به معنای واقعی بسیاری از معارف قران * و اموختن شیوه ی انجام دستورات قران مانند نماز . روزه با مراجعه به گفتار و رفتار پیامبر

۴- پیامبر اسلام **اولین و بزرگترین معلم قرآن** بود.

ج : ولایت ظاهری (اجرای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه)

۱- ولایت سرپرستی و رهبری بر جامعه. ۲- اداره و رهبری جامعه ی اسلامی با اجرای قوانین الهی ۳- پی ریزی حکومت بر مبنای قوانین اسلام با کمک مردم ۴- ساختن مسجد مدینه و آن را محل حکومت و رهبری خود قرار دادن ۵- اجرای تدریجی احکام خداوند با توسعه ی کشور اسلامی در همه ابعاد با کمک مردم ۶- گسترش عدالت ۷- بنای اسلام پر پنج پایه که مهم ترین پایه ی آن **ولایت** است ۸- مفهوم حدیث: **حتی الاسلام علی خمس مده (ولایت ظاهری)**

دلایل اهمیت ولایت و حکومت اسلامی : ۱. جامعیت دین اسلام ۲. ضرورت اجرای احکام اسلامی ۳. پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حکومت طاغوت ۴. حفظ استقلال جامعه اسلامی در برابر کفار

۴. برترین مقام پیامبر (ولایت و هدایت معنوی)

۱ : ولایت معنوی

الف مرتبه ای برتر و **بالاتر** از ولایت ظاهری که همان سرپرستی و رهبری معنوی انسانهاست

ب : «مشاهده ی **عالم غیب و ماورای طبیعت**» و «تصرف در عالم طبیعت به اذن الهی به واسطه ی انجام وظایف عبودیت و بندگی و حرکت در مسیر قرب الهی»

ج- **شفا بخشیدن به بیمار»**، «دفع خطری از اشخاص» و «برآورده ساختن سایر حاجات مردم در صورتی که صلاح آنها در آن باشد.»

۲ : هدایت معنوی

الف- نمونه ی دیگر از ولایت معنوی، هدایت بندگان خداست. ب- هدایت بندگان خدا نه از طریق آموزش معمولی و عمومی، بلکه از طریق **امداد غیبی و الهامات روحی و معنوی** و تصرف در قلوب و مانند آن. (مفهوم این قسمت از آیهی: یخرجهم من الظلمات إلی النور)

ج : بهره مندی انسان ها از هدایت معنوی، **متناسب با درجه ی ایمان و عمل آنان** است. . نمونه ای کامل از هدایت معنوی در رفتار رسول خدا با حضرت علی قابل مشاهده است.

د : . امام علی ها به دلیل پیمودن سریع مراتب کمال در ایمان و عمل، علاوه بر تربیت از روش های معمولی از هدایتهای معنوی رسول خدا (به صورت الهام بر روح و جان ما نیز بهره می برد.

سخن امام خمینی: «به این دلیل که هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک آمیز است، **چون حاکمش «طاغوت» است.** ما موظفیم آثار شرک را از جامعه ی مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.» این قسمت از سخن امام خمینی(۰)، **سومین دلیل اهمیت ولایت ظاهری، یعنی «ضرورت پذیرش ولایت الهی و دوری از حکومت طاغوت»** اشاره دارند

امام خمینی (ره): مجموعه ی قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه ی اصلاح بشر شود، **به قوه ی اجراییه و مجری احتیاج دارد**. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون - یعنی احکام شرعی – یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم (ص) در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه ی مسلمانان قرار داشت.» به **دومین دلیل اهمیت ولایت ظاهری، یعنی «ضرورت اجرای احکام اسلامی»** اشاره دارند. "

حضرت علی) می فرماید: «روزی رسول خدا(ص) هزار باب از علم به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می شد.» پیام: این حدیث و عبارت شریفه ی: **«یخرجهم من الظلمات إلی النور»**، بیانگر برترین مقام پیامبر، یعنی **«ولایت معنوی»** است.

قلمرو اول رسالت (دریافت و ابلاغ وحی)، با **«امدن قرآن و حفظ آن** در میان مسلمانان پایان پذیرفت.

آن بخش از «رسالت پیامبر» که مربوط به **«نبوت»** می باشد، با رحلت پیامبر(ص)» تمام شد

نیاز به امام و رهبری همچنان وجود دارد. : «امام» از جانب خداوند، دو مسئولیت **تعلیم و تبیین تعالیم دین» و «ولایت و سرپرستی جامعه»** را انجام می دهد.

انسان هایی که «قلب و جان خود را لایق پذیرش «هدایت معنوی» کرده اند، از «هدایت معنوی امام» برخوردار می شوند.

۱. معرفی امام در مراسم دعوت خویشان

پیامبر اکرم در **سال سوم بعثت»** و در اولین روز **دعوت علنی** خود و در جلسه ی **یوم الانذار** و در حضور **چهل تن** از بزرگان بنی هاشم **» درباره ی اسلام** با آنان سخن گفت و در پایان امام علی را «برادر، وصی و جانشین خود معرفی کرد.

۲. آیه ولایت

آیه ی ۵۵ مائده: **«انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة ویؤتون الزکاة وهم راکعون** » در آن ویژگی های «ولی و سرپرست مسلمین» پس از «خدا و رسولش» آمده است. و پس از مشخص شدن مصداق آن، صدای تکبیر یاران بلند شد و پیامبر ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.

معرفی امام علی به عنوان مصداق آیه ولایت از سوی پیامبر (ص) برای آن بود که مردم به چشم خود ببینند و از زبان پیامبر بشنوند و امکان کتمان و مخفی کردن آن از بین برود.»

۳. آیه ی تطهیر

آیه ی ۳۳ أحزاب: **«إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا»**

این آیه، بیانگر «مطهر و معصوم بودن اهل بیت» است. اهل بیت به معنای خاص، فقط **شامل پنج نفر و از خانواده ی پیامبرند.** پیامبر (ص) مدتها اهل خانه ی فاطمه (س) را با عنوان اهل بیت صدا می زد و آیه ی تطهیر را می خواند

«حجت بودن سخن و عمل اهل بیت»، برخاسته از «معصوم بودن آنان» و مفهوم «آیه ی تطهیر» است.

۴. حدیث جابر

این حدیث، پس از نزول آیه ی اطاعت: **«یا أیها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»** و در پاسخ به **جابر بن عبدالله انصاری** بیان شد. در این حدیث، پیامبر اسلام(س) **در معرفی اولوالامر و جانشینان خود**، نام یکایک **۱۲ امام(ع)** را بیان کردند. و در آن از ظهور منجی در **آخرالزمان** خبر داده شده است.

۵. حدیث ثقلین :

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی أهل بیتی ما إن تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا و ...»" این حدیث، در روزهای آخر عمر پیامبر اکرم (ص) بیان شد. و بیانگر «عصمت اهل بیت» و «لازم و ملزوم بودن و جدایی ناپذیر بودن (انهما لن یفترقا) **قرآن و اهل بیت»** است

۶. حدیث منزلت :

| پیامبر اسلام بارها به حضرت علی) فرمود: «**انت منی بمنزلة هارون من موسی الا أنه لانبی بعدی»**

این حدیث، به «ختم نبوت» (اله لانبی بعدی) و **جانشینی امام علی** » (**انت منی بمنزلة هارون من موسی**) اشاره دارد.

۷. حدیث غدیر

در روز **هیجدهم ماه ذیحجه**، در محلی بنام غدیر خم، پس از نزول **آیه ی ابلاغ**، پیامبر مامور به ابلاغ خبر مهمی از سوی خدا به مردم شد. پس از دستور به توقف و ادای نماز و بیان خطبه، ابتدا از مردم پرسید: **ایها الناس من أولی الناس بالمؤمنین من أنفسهم**». در پاسخ مردم گفتند: «خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.»، سپس پیامبر اکرم (ص) حدیث معروف غدیر: «**من کنت مولاه فهذا علی مولاه**» را بیان کردند

پیامبر ، امام علی(ع) و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده و آنان عهده دار مسئولیت امامت اند. لازمه ی جانشینی، **«علم و معرفت کامل» و «عصمت از گناه و اشتباه** است. تعیین جانشین رسول خدا، **«با راهنمایی خداوند» بوده** و «خداوند»، ائمه اطهار(ع) را به این مقام برگزیده است.

حضرت فاطمه زهرا «**جزء اهل بیت** است و اگر چه عهده دار امامت نبوده»، اما دارای علم و عصمت کامل است » و «پیروی از کلام و رفتار وی بر همه ی مسلمانان واجب و سرچشمه ی هدایت و رستگاری است.»

- حدیث غدیر، از جهت سلسله ی راویان، محکم و کمتر حدیثی مانند آن است. ۴- **صد و ده نفر از اصحاب پیامبر** که در غدیر حاضر بودهاند، آن را بی هیچ واسطه ای از پیامبر نقل کرده اند. نام **سیصدوپنجاه نفر** از دانشمندان و تاریخ نویسان و مفسران اهل سنت که این واقعه را در کتابهای خود آورده اند در کتاب **«الغدیر »** امده است

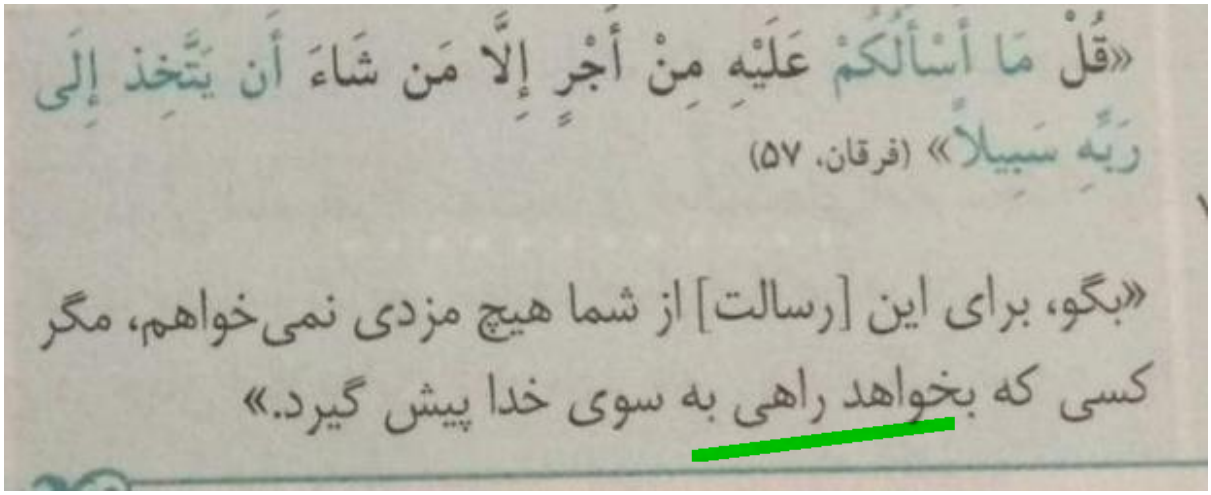
پیامبر در خانه ی خدا و خطاب به **جابر بن عبد الله انصاری**، در مورد امام علی (ع) فرمود: «این مرد، **اولین ایمان آورنده** به خدا، وفادار ترین شما در پیمان با خدا، **راسخ ترین شما در انجام فرمان خدا**، صادق ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت و مساوات بین آنها **و ارجمندترین شما در نزد** خداست.»

انتخاب شیوه ی مبارزه ی با حاکمان، متناسب با شرایط زمان توسط امامان:

به منظور «**بقای تفکر اصیل اسلام راستین (تشیع)**»، «سست شدن تدریجی بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس» و در عین حال، «معرفی شدن روش زندگی امامان، به عنوان اسلام حقیقی، به نسل های آینده».

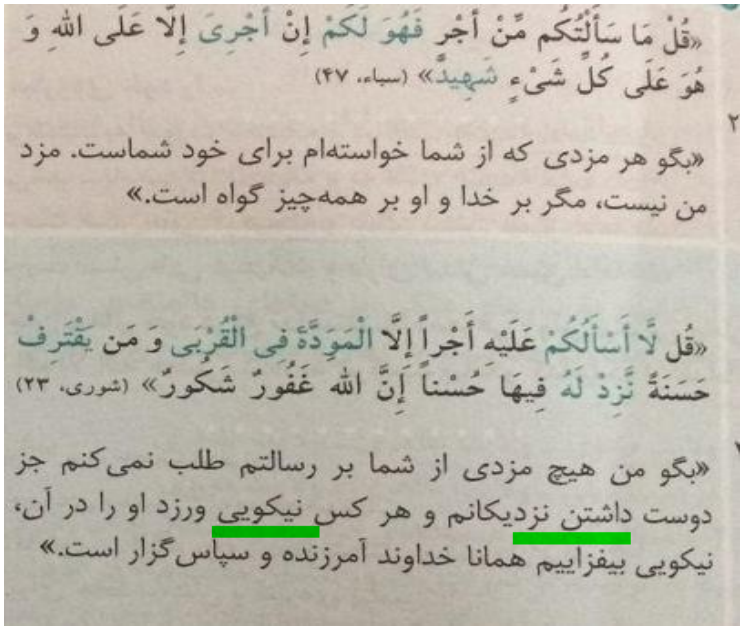
۲- ادامه دادن آن بخش از اقدامات و مبارزات که دشمن به آن حساسیت دارد، در **قالب تقیه**.

۳- مخفی نگه داشتن اقدامات **(تقیه)** به گونه ای که **در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند**. مانند ارتباط میان امامان و یاران آنها در نقاط مختلف (بیانگر تقیه – شیوه ی مبارزه - ولایت ظاهری) سرزمین اسلامی تا حاکمان بنی امیه و بنی عباس، نتوانند این یاران را شناسایی کنند و به شهادت برسانند


«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان، ۵۷)

«بگو، برای این [رسالت] از شما هیچ مزدی نمی‌خواهم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی خدا پیش گیرد.»

بنابر این آیه، کسانی پاداش رسالت را خواهند داد که راه خدا را در پیش بگیرند (إلا من شاء أن یتخذ إلی ربه سبیلا) و هدایت الهی را بپذیرند. ۲- در این آیه، خداوند به پیامبر (ص) می فرماید: اجر و پاداش خود را راه یافتن مردم به سوی خدا و ایمان و اعتقاد به اسلام قرار دهد


«قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللهِ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (سباء، ۴۷)

«بگو هر مزدی که از شما خواسته‌ام برای خود شماست. مزد من نیست، مگر بر خدا و او بر همه‌چیز گواه است.»

«قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْناً إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (شوری، ۲۳)

«بگو من هیچ مزدی از شما بر رسالتم طلب نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس نیکویی ورزد او را در آن، نیکویی بیفزاییم همانا خداوند آمرزنده و سپاس‌گزار است.»

نتیجه مودت و پیروی از اهل بیت

خورشید پنهان

قبل از غیبت: تولد در جمعه، **نیمه ی شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر «سامرا» و زندگی در کنار پدر تا سال ۲۶۰ هجری**

اقدامات امام حسن عسکری پس از تولد تا ۵ سالگی: ۱- حفظ ایشان از گزند حاکمان عباسی ۲- نشان دادن ایشان به و یاران نزدیک و مورد اعتماد و معرفی آن حضرت به عنوان امام بعد از خود با وجود محاصره در نیروها و جاسوسان حاکم

غیبت صغری: ۱- پس از شهادت پدر در سال **۲۶۰ (۵ سالگی آغاز) و در سال ۳۲۹ (به مدت ۶۹ سال) پایان یافت**. ۲- امام در این دوره، زندگی مخفی داشت. ۳- رهبری پیروان خود را از طریق چهار نفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد خود معروف به نواب اربعه» و «نواب خاص» انجام می داد.

۴-امام با نوشتن نامه ای به آخرین نایب خود (**شش روز قبل از درگذشتش** «عدم انتخاب جانشین برای خودش» و «آغاز مرحله ی دوم امامت در شکل غیبت کبری» را به او خبر داد.

علت غیبت:

1 -به دلیل باقی ماندن دو شرط (**قدرناشناسی** و در خطر بودن امام) و **عدم آمادگی مردم** برای ظهور است. ۲- و تا زمانی که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه ی انسانی شایستگی درک ظهور و بهره مندی کامل از از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کنند. تداوم غیبت ادامه دارد

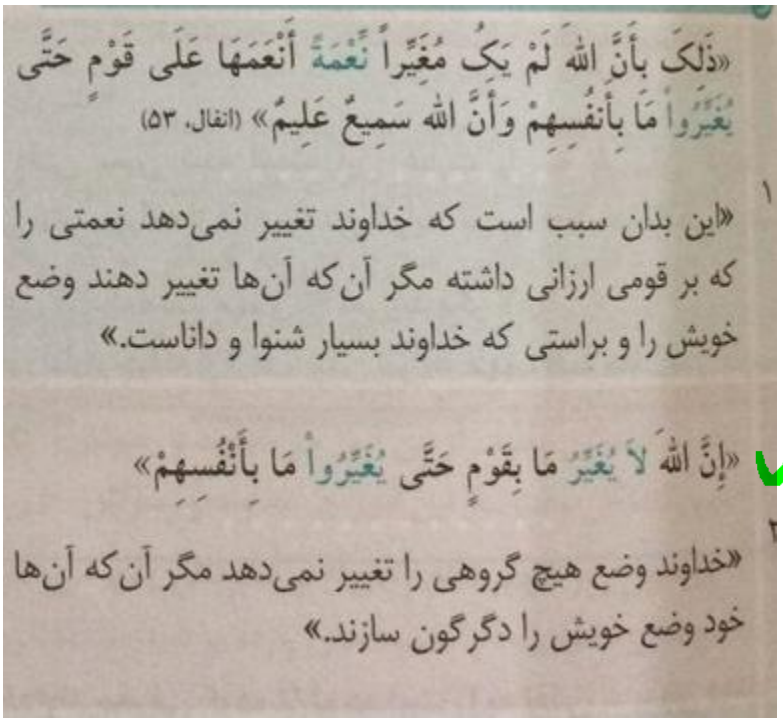
2 - ۱- **«غیبت» در مقابل «ظهور» است، نه «حضور»** . ۲- امام از نظرها «غایب» اند ولی در جامعه حضور دارند و چون خورشید، انوار هدایت و رهبری خود را بر مسلمانان می تابانند. ۳- امام علی(ع) می فرماید: حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابانها عبور می کند ... ۴- امام عصر(ع) می فرماید: «بهره بردن از من در عصر غیبتم،

مانند **بهره بردن از آفتاب است هنگامی که پشت ابرها باشد.»** ها پنهان بودن در پشت ابر ناشی از عدم شایستگی انسانها در بهره مندی از رهبری ظاهری ایشان است.

بخش اصلی رهبری امام، **مربوط به ولایت معنوی است**. و به اذن خداوند از احوال انسان ها آگاه است، و به صورتهای مختلف، افراد مستعد و به ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمکها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی برخوردار می سازد.

نامه ی امام زمان (ع) به شیخ مفید، مبین **رهبری و ولایت معنوی** ایشان است. و نمونه هایی از دستگیری های ایشان: «هدایت باطنی افراد»، «حل بعضی از مشکلات علمی علما»، «خبر دادن از پارهای رویدادها»، «دستگیری از درماندگان»، «شفای بیماران» و «دعا برای مؤمنان» است. (**تمام موارد، ولایت معنوی** است.) ۱۰- رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون با ایشان است اما این رهبری را انسانهای عادی حس نمی کنند ؛ همان طور که برخی از انسان ها فواید خورشید پشت ابر را درنمی یابند.

به دلیل آگاهی خداوند از تمام شرایط و با جوان نگه داشتن جسم امام به اراده ی خود، آن حضرت به حیات خود ادامه می دهد پس، عمر طولانی امام، **امری غیرعادی» است، نه «غیر عقلی و محال»** و یا «قدرت الهی» عملی می شود


«ذلک بأنّ الله لم یک مغیّراً نعمة أنعمها علی قوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم وأنّ الله سمیعٌ علیمٌ» (انفال، ۵۳)

۱ «این بدان سبب است که خداوند تغییر نمی‌دهد نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته مگر آن‌که آن‌ها تغییر دهند وضع خویش را و براستی که خداوند بسیار شنوا و داناست.»

«إنّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم»

۲ «خداوند وضع هیچ گروهی را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آن‌ها خود وضع خویش را دگرگون سازند.»

۱- اگر مردم نعمتی را که خدا به آنان داده، ضایع کنند خداوند آن نعمت را از آنان می گیرد. ۲- قرآن کریم در این آیه به ما می آموزد تا **گروهها، اقوام و ملتها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد**. ۳- نعمت دهی خداوند، مقدم بر رفتار انسان ها است.

۲- زمینه ساز هلاکت و بدبختی یا عزت و سربلندی یک جامعه اعمال و کردار همان جامعه است. (پیام کتاب) . بر اساس این آیه، تغییر و تحولات اجتماعی، تابع تحول درونی همه یا بیشتر افراد جامعه یعنی، تابع خواست اکثریت افراد با روح جمعی آن جامعه است.

پیامبر اکرم اما می فرماید: «خداوند زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد، بعد از این که پر از ظلم و جور شده باشد.»

امام علی) می فرماید: «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسانها و زیاده رویشان در گناهه آنان را از وجود حجت در میانشان بی بهره می سازد.» پیام: از دیدگاه امام علی)، علت غیبت امام زمان (عج)، از ناحیه ی خود مردم ستمگری و زیاده روی در گناه است. یعنی به سبب قدرناشناسی و ناسپاسی مردم» و «در خطر بودن جان آن حضرت»، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد

امام باقر(ع) فرموده اند: «قضای حتمی خداوند است که اگر به بنده ی خود نعمتی دهد، آن تعمت را از او نمی گیرد، مگر آن که گناهی انجام دهد که شایستگی داشتن آن نعمت را از دست دهد. و این مطلب، مطابق با این سخن خداوند است

امام عصر، خود می فرماید: بهره بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که پشت ابرها باشد.» ❋ پیام: تشبیه رهبری امام در عصر غیبت به «خورشید پشت ابر» بیانگر «حضور امام در جامعه» در عصر غیبت و انجام «ولایت معنوی» توسط ایشان است. (**غیبت جزئی است نه کلی**)

أمیر المؤمنین می فرماید: «حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان ها عبور می کند .به نقاط مختلف جهان می رود، سخن مردم را میشنود و بر جماعت مردم سلام می کند. می بیند و دیده نمی شود.تا این که زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا میرسد. هان ! آن روز، **روز شادی فرزندان علی ما و پیروان** اوست.»

نامه ی امام زمان به شیخ مفید: «ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.» امام عصر در ادامه ی همین نامه می فرماید: «ما در رسیدگی به شما و سرپرستی شما (ولایت معنوی) کوتاهی و اهمال نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبتها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می نمودند. (انجام ولایت معنوی در عصر غیبت)

امام باقر(ع) می فرماید: «کذب الوقانون تعیین کنندگان وقت، دروغ گویند.» ۱- وقتی از امام باقر پرسیدند که آیا برای ظهور وقتی معین شده است، این عبارت را سه بار بیان کردند

۲- تعیین زمان ظهور در اختیار خداست و کسی جز او از آن آگاهی ندارد. چرا که از فراهم شدن شرایط ظهور، فقط خدا آگاهی دارد

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مثل ظهور حضرت مهدی(ع)، مثل برپایی قیامت است. مهدی(ع) نمی آید مگر ناگهانی» "

طرح خاص انبیا برای تحقق وعده های الهی :ظهور یک ولی الهی در پایان تاریخ و در شرایطی که کاملا آماده است. و تشکیل حکومت جهانی و عادلانه ای که فقط براساس دین خدا اداره می شود

اتفاق نظر ادیان الهی پیرامون اخرالزمان :۱- «اصل الهی بودن پایان تاریخ» ۲- «**ظهور ولی خدا** برای برقراری حکومت جهانی »

عقیده مسلمانان :منجی بزرگ انسانها (**حضرت مهدی از نسل پیامبر (ص)** است. و در آخرالزمان ظهور می کند و حکومت واحد و عادلانه ی جهانی تشکیل می دهد

عقیده شیعه : ۱- دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری است. ۲- هم نام پیامبراس) و «مهدی» یکی از لقبهای اوست. ۳- آخرین ذخیره ی الهی است ۴- با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه میدهد تا این که به اذن خداوند ظهور می کند و از حکومت جهانی اسلام را تشکیل میدهد.

عقیده اهل سنت : حضرت «مهدی» از نسل پیامبر(ص) و حضرت فاطمه (س) است ولی **مشخص نیست که در چه زمانی به دنیا می آید.**

عوامل پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ:

الف- **گذشته ی سرخ:** «اعتقاد به عاشورا» و «آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت خواهی، آرمان گرایی و حقیقت جویی»
ب- **آینده ی سبز**: «باور به مهدویت»، «نپذیرفتن حکومت های طاغوتی» و «تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان»

از برترین اعمال عصر غیبت، **در انتظار ظهور بودن»**، است.) . ۲- از نظر امام علی محبوب ترین کارها نزد خداوند، **انتظار فرج** است ۳- دعا برای ظهور امام عصر علی **لازمه ی انتظار** است.

پیامبر اکرم در سخنانی ضمن معرفی همه ی امامان، درباره ی امام عصر (ع) می فرماید: «هر کس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر (عج) را بپذیرد

پیامبر اکرم اس) به حضرت علی (ع) فرمود: «بزرگترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران اینده زندگی می کننده پیامبرشان را ندیده اند، امام آنها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام و تفکر در آنها ایمان می آورند.»

رسول خدا(ص) می فرماید: «خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.»
پیام: منتظر حقیقی در دومین مسئولیت خویش تلاش می کند در عصر غیبت در همه ی ابعاد فردی و اجتماعی پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند

عبارت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا می نشینیم» پیام: آنان که در زندگی خود با باطل مبارزه نکرده اند و با مستکبران مقابله ننموده اند، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی این عبارت را به حضرت مهدی(ع) خواهند گفت. ایجاد آمادگی در خود و جامعه و از مسئولیتهای منتظر یاران مهدی (ع) است

مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در دوره غیبت:

الف «**فقیه**» واجد شرایط بنا به فرمان امام زمان و به نیابت از ایشان دو مسئولیت **«مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت»** را بر عهده دارد و در حد توان، جامعه ی اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می کند

ب : فقیهان با تفکر در آیات و روایات» و «کمک گرفتن از موازین دقیق»، احکام را به دست می آورند و در اختیار مردم قرار میدهند

تقلید، رجوع مردم به متخصص در احکام دینی و عمل مطابق با راهنمایی آنان است. چنین فقیه ی را **مرجع تقلید** می نامند

ج- **تنها ولی فقیه** از میان فقیهان دارای شرایط، "توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت»، «به دست گرفتن رهبری جامعه» و «پیاده کردن قوانین الهی در جامعه را دارد در عصر غیبت، مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه و حکومت اسلامی در چهار چوب ولایت فقیه » استمرار دارد.

ویژگی مشترک مرجع تقلید و ولی فقیه:: علاوه بر تخصص در فقه، باید: ۱- با تقوا ۲- عادل ۳- زمان شناس باشند. یعنی بتوانند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورند.

ویژگی خاص ولی فقیه : علاوه بر سه شرط بالا، باید: ۴- با تدبر و با کفایت باشد. (برای رهبری جامعه در شرایط پیچیدهای جهانی و خنثی ساختن نقشه های دشمنان دین با درایت) - شجاعت و قدرت روحی داشته باشد. (برای مبارزه بدون ترس و واهمه با دشمنان دین و نترسیدن از کسی در اجرای احکام دین و ایستادگی و پایداری در مقابل تهدیدها |

مشروعیت ولی فقیه : حکومت و رهبری ولی فقیه، تنها با داشتن **این پنج شرط مورد پذیرش دین** است. یعنی از نظر دین و «مشروعیت» دارد که مردم را رهبری کند. در غیر این صورمت، پیروی از دستورات و حرام است.

راه های شناخت مرجع تقلید : ۱- آگاهی خود شخص از علم فقه به اندازه ای که بتواند فقیه دارای شرایط را بشناسد و تشخیص دهد. و ۲- پرسش از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند. : ۳- مشهور بودن یکی از فقها، در میان اهل علم آنچنان که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

تفاوت مرجع تقلید با ولی فقیه : انتخاب ولی فقیه مانند انتخاب مرجع تقلید نیست که هر کس برای خود ولی فقیه جداگانه ای انتخاب کند، چراکه ولی فقیه بیان کننده ی قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است و همچنین اداره جامعه تنها با یک مجموعه ی قوانین و یک رهبری امکان پذیر است در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه پیش می آید .

در انتخاب ولی فقیه، مردم باید به صورت دسته جمعی اقدام کنند و فقیهی را که دارای شرایط رهبری است، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به او بسپارند. (۱- **به شیوه ای مستقیم**: با حضور در اجتماعات و راهپیمایی های سراسری، مانند پذیرش ولایت امام خمینی(ره) ۲.**غیر مستقیم: بنابر قانون اساسی**: مردم ابتدا نمایندگان خبره ی خود را انتخاب می کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کس را که شایسته تر برای رهبری تشخیص دهند، به جامعه اعلام می کنند

رهبر هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت) و هم مورد پذیرش مردم باشد (مقبولیت) تداوم رهبری ولی فقیه تا زمانی است که شرایط پنج گانه را دارا باشد. تشخیص این امر (مشروعیت) نیز بر عهده ی مجلس خبرگان است.

پیامبر اکرم می فرماید: «حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت تر از حال بتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمی داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش وما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگرانی را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.»

| گروهی از امام صادق ع پرسیدند که برای قضاوت به چه کسی مراجعه کنیم. ایشان در پاسخ فرمود: «از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید که من چنین شخصی را قاضی و حاکم قرار داده ام

امام صادق درباره ی کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می کنند، فرمود: «هر کس به حق یا ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست که می فرماید «می خواهند برای داوری نزد طاغوت روند در حالی که باید به طاغوت کافر باشند پرسیدند: پس چنین افرادی چه کنند؟

فرمود: اینان باید به یکی از شما که سخنان ما را روایت می کند و در احکام دین تفکر می کند و آنها را می داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده ام.»

رابطه رهبر با مردم : تربیت و هدایت مردم به دین خدا و سعادت حقیقی را **مهم ترین حق مردم دانسته** و تلاش برای انجام این مسئولیت .

متواضع بودن رهبر در برابر مردم و به خصوص مستضعفان و با عزت و مقتدر عمل کردن در برابر مستکران

حقوق مردم بر رهبر طبق نامه مالک اشتر :

دوست و مهربان بودن رهبر با همه ی مردم؛ چرا که مردم دو دسته اند: «یکی برادر دینی و دیگری همانند بودن در آفرینش»

۲- نگریستن رهبر متکبر به **بزرگی حکومت خداوند**، برای «**نجات از سرکشی**»، «**فرو نشاندن تندروی**» و «**بازگرداندن عقل خود به جایگاه اصلی**»

۳- **دوست داشتنی ترین** چیزها نزد رهبر باید در **حق میانه ترین، در عدل شامل ترین و در جلب خشنودی مردم فراگیرترین باشد**، چرا که **خشم عمومی**، از بین برنده ای **خشنودی خواص** و نزدیکان و رضایت عمومی بی اثر کننده ی خشم خواص است

۴- دور کردن **عیب جویان** از پیرامون خود، زیرا مدیر و رهبر جامعه باید بیشتر از همه در پنهان کردن عیوب مردم بکوشد

۵-شتاب نکردن در قبول و تصدیق **سخن چین** ؛ زیرا **سخن چین خیانتکار در لباس نصیحت گر** است

۶- مشورت نکردن با **ترسو** زیرا در انجام دادن کارها **روحیه ی رهبر را سست می کند**

۷- یکسان نبودن نیکوکار و بدکار در نظر رهبری برای بی رغبت نشدن نیکوکاران به خیر و تشویق نشدن بدکاران به کار بد

۸- در مورد محرومان: الف. برای خدا پاسدار حق آنان باشد، ب: رسیدگی به آنان با وجود دل مشغولی های حکومت، چراکه کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک دیگر مسئولیتها نخواهد بود. ج- انتخاب افرادی مورد اطمینان و خداترس و متواضع برای تحقیق درباره ی وضع محرومان و ارائه ی گزارش به رهبر. د : تلاش برای رفع مشکلات آنها برای معنوی بودن در پیشگاه خدا؛ به دلیل نیازمندی بیشتر این گروه به عدالت.

از دیدگاه امام علی **بزرگترین حق واجب شده از سوی خداوند بر بندگان: «حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر» است.**

ارزشمند شدن حق رهبر و مردم: در صورتی که «مردم، وظیفه ی خود را نسبت به حاکم انجام داده» و «حاکم حق آنان را ادا کند.»

نظام جمهوری اسلامی یا مردم سالار : الف حکومتی که براساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده نه فرد یا گروهی خاص بیانگر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و دنبال کردن این حق از راههای تعیین شده در قانون

لفظ «جمهوری» در کنار «اسلامی»، بیانگر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود است ب: برپا کردن جمهوری اسلامی»، «رای دادن به قانون اساسی تعیین کننده ی شکل حکومت و خطوط کلی آن» وشرکت دائم در انتخابات مختلفه بیانگر دخالت مردم در امور کشور» و «نشان دادن پایبندی خود به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی» است.

نظام دموکراتیک : تأمین خواسته های دنیوی مردم و بی اعتنا بودن نسبت به ارزشهای الهی، هدف دمکراسی رایج در جهان است

هدف اصلی نظام اسلامی: «سعادت اخروی» و «برقراری عدالت اجتماعی است

عزت نفس

انواع تمایلات: ۱- **تمایلات عالی** مربوط به خود عالی انسان که همان بعد روحی و معنوی اوست، می باشد

۲- **تمایلات دانی** مربوط است به خود دانی که همان بعد حیوانی و دنیایی می باشد.

ج- زندگی انسان، به گونه ای باید تنظیم شود که توجه به تمایلات دانی مانع رشد و شکوفایی تمایلات عالی نگردد

د: عقل و وجدان، چون در پی خوشبختی همیشگی آدمی است، او را به تمایلات عالی فرامی خواند. اما هوی و هوس (نفس اماره) مشغول بودن به غرایز و تمایلات دانی و بی توجهی به تمایلات عالی را از انسان می خواهد

انسان عزیز، همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لوامه گوش فرا میدهد و تسلیم نفس اماره نمی شود

ما انسان ذلیل، در درون شکست می خورد و تسلیم نفس اماره می شود. براساس **تحقیقات اکثر گناه کاران و مجرمان، عزت نفس خود را از دست داده و تحقیر شده اند**. بنابراین افزایش عزت نفس انسان ها و حفظ کرامت آنها، یکی از راههای مبارزه با کژی ها و زشتیها در جامعه است

انتخاب همسر

اهداف ازدواج

۱. پاسخ به نیاز جنسی

-ابتدایی ترین زمینه ی شکل گیری نهاد خانواده ۲- ایجاد کننده ی اولین کشش و جاذبه میان زن و مرد است. ۳- رسیدن هر کدام از مرد و زن به یک آرامش روانی بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز

۲. انس با همسر

بی توجهی زن یا مرد به این نیاز همسر» و «رفتاری آرامش بخش از خود نشان ندادن»، علت برخی از ازدواج های ناموفق است. بر اساس تجربه های روان شناختی، توانایی زن در ایجاد سکونت و آرامش بیشتر از مرد» و «زن مبدا آرامش در خانواده» است. (مفهوم آیهی: و من ایاته إلی خلق لکم من أنفسکم ازواجا لتسکنوا إلیها)

۳. **رشد و پرورش فرزندان**

الف. فرزند، **«ثمره ی پیوند زن و مرد» و تحکیم بخش وحدت روحی** آنهاست

ب : دوام وجود زن و مرد در فرزند دیده می شود» و «رشد و بالندگی او پایداری وجود والدین» است

ج : یک خواست الهی که از ابتدای ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد، **بهداشت روانی و جسمی کودک و تعادل رفتاری و تعالی** اخلاقی وی است. (مفهوم آیهی: والله لعلکم من أنفسکم أزواجا وجعل لکم من أزواجکم بنین و حفده ...)

۴.رشد اخلاقی و معنوی

رشد اخلاقی و معنوی هریک از اعضای خانواده »، عالی ترین هدف تشکیل خانواده است

۱- اولین قدم برای تشکیل خانواده، انتخاب همسر خوب است

۲-**مهم ترین معیار همسر شایسته از نظر قرآن کریم، با ایمان بودن است.** ۳- در صورت نبودن این معیار در فرد، ازدواج با او حرام می شود. ۴- با قوی تر بودن ایمان یک فرد، شایستگی او برای همسری بیشتر است.

امام علی ع می فرماید: « حب الشیء یعمی و یصم»

پیام: لازمه ی انتخاب همسری شایسته، **تسلط کامل بر شور و احساس جوانی** و مشورت با پدر و مادر است

پیامبر اکرم می فرماید ۱- «کسی که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس، باید برای نصف **دیگر از خدا پروا داشته باشد.**» ۲- برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید (علت) تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آن ها را زیاد گرداند» (معلول)

امام صادق می فرماید: «دو رکعت نماز شخص متأهل برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می خواند.»

پیام آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: بلوغ جنسی و عقلی، نباید فاصله میان این دو بلوغ با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تاخیر افتد.

پیمان ازدواج، عقد نام دارد و تعهد رسمی و شرعی دختر و پسر برای تشکیل خانواده است

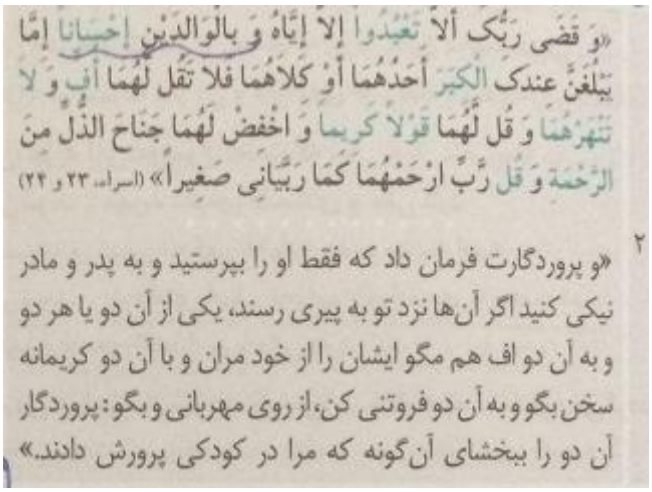
شروط اصلی عقد: اعلام رضایت دختر و پسر و اجباری نبودن ازدواج برای هیچ کدام

۲- اذن پدر برای ازدواج دختر ۳- صداق یا مهریه زن

امام علی :«**جهاد زن**، شوهرداری در بهترین شکل آن است.»

این سخن امام علی که میفرماید: «مرد، مدیریت خانواده را بر عهده دارد و زن، مدیریت داخلی خانه راه، بیانگر یک تقسیم کار طبیعی» و «اهمیت مدیریت داخل خانه» و «بیان کننده ی ارزش خانه داری» است

مدیریت داخل خانه زن، تجمع کننده و پیوند دهنده ی پدر، مادر و فرزندان و نگهدارنده آنها در زیر یک سقف» است.


«وَ قَضى رَبُّكَ أَلاّ تَعْبُدُوا إِلاّ إِيّاهُ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً إِمّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ كِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَ لا تَنْهَرْهُما وَ قُلْ لَهُما قَوْلاً كَرِيماً وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُما كَما رَبَّيانِي صَغِيراً» (اسراء، ۲۳ و ۲۴)

«و پروردگارت فرمان داد که فقط او را بپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید اگر آن‌ها نزد تو به پیری رسند، یکی از آن دو یا هر دو و به آن دو اف هم مگو ایشان را از خود مران و با آن دو کریمانه سخن بگو و به آن دو فروتنی کن، از روی مهربانی و بگو: پروردگار آن دو را ببخشای آن‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند.»

احسان به پدر و مادر بعد از مسئله ی توحید واجب ترین واجبات است.

پیامبر میفرماید: الف- این گفته ی مرد به زن که تو را دوست دارم» هیچ گاه از قلب او بیرون نمی رود.

ب: **نشستن مرد در کنار همسر** خود، پیش خداوند **دوست داشتنی تر از اعتکاف** و شب زنده داری است

امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «جهاد زن، شوهرداری در بهترین شکل آن است

پیام: همان طور که جهاد در جبهه، کشور را از هجوم بیگانه حفظ می کند، شوهرداری نیز کانون خانواده را از هجوم گناهان و ناملایمات نگه می دارد و جامعه را در مقابل فساد، آسیب ناپذیر می نماید.

پایان سال سوم دبیرستان

جهت دریافت کلاس های رایگان انلاین و تکمیلی پکیج آموزشی حتما و حتما تمامی آموزش ها را از سایت مدآموز دریافت نمایید

پیش دانشگاهی

توحید : **"مهم ترین اعتقاد دینی» و «پایه و اساس تمام دین»** است. (اساس بنای اسلامی لا اله الا الله است.)

و بدون اعتقاد به آن، هیچ اعتقاد دینی دیگر، اعتبار ندارد.» (رابطه ی اصل توحید با اصول دین)

و **مانند روحی به پیکره ی معارف** و احکام دین حیات بخش است.»

انواع توحید : توحید نظری وتوحید عبادی

مراتب توحید نظری

۱. توحید در خالقیت

۱- خداوند، «**تنها مبدا و منشاء جهان»، «تنها وجود مستقل»، «تنها سر چشمه ی خوبیها و زیبایی ها»، «تنها خالق و هستی بخش جهان» است**

۲- «موجودات همه از او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد» ۳. «جهان، از اصل های متعدد پدید نیامده است.»

مفهوم آیات : **۱- «قل الله خالق کل شیء» ۲- «الله نور السماوات و الأرض» کر ۳- «انشأها اول مره» ۴- «هو انشأکم من الأرض»**

«خالق»، «فاطر»، «هستی بخش» و «ینشی») (نکته: کلمات توحید در خالقیت بیانگر قضای الهی می باشند .)

۲. توحید در مالکیت

۱- خداوند، **تنها مالک و «صاحب اصلی و حقیقی جهان» استه**

۲. «همه مخلوقات از آن خداوند است.» (نکته: عبارت از خدا ، توحید در خالقیت ولی از آن خدا - توحید در مالکیت)

مفهوم آیه ی: «**لله ما فی السماوات وما فی الأرض**» علت این توحید: توحید در خالقیت است. (چون مخلوقات جهان از آن خداست. مالک اصلی و حقیقی جهان است)

مالک»، «صاحب»، از آن خدا» از (نکته: کلمه ی **فرمانروایی** بیانگر توحید در مالکیت نیست بلکه بیانگر توحید در ولایت است.)

۳. توحید در ولایت

ولایت به معنی **سرپرستی و حق تصرف داشتن** است. توحید در ولایت، یعنی هرگونه تصرف و سرپرستی در جهان، تنها حق خداوند و شایسته ی اوست.

۱- «ما لهم من دونه من ولی ولا یشرک فی حکمه أحدا»

۲- تمام آیات مربوط به ولایت ظاهری (درس ۴ و ۵ سوم).(چون خداوند، مالک حقیقی جهان است. بر آن ولایت دارد.)

مفاهیم کلیدی :**«ولی»، «سرپرست»، «تصرف»، «تغییر»، امر و نهی» و «حکم»، «حاکم (فرمانروا)» و پادشاه (ملک)**

اگر خداوند به کسی اذن ولایت دهد ۱- آن شخص در محدوده ی اجازه ی خداوند، توانایی تصرف در اشیاء را دارد ۲- به معنای واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست ۳- آن شخص، مسیر و مجرای ولایت الهی قرار گرفته و از خودش استقلالی ندارد

. بلکه پیامبر واسطه و رساننده ی ولایت و فرمان های خداوند به مردم است و خداوند در همه حال ولی مخلوقات است

۴. توحید در ربوبیت

الف : خداوند "**رب العالمین**» است. (صاحب اختیاری که تدبیر همه امور به دست اوست)

ب: به دلیل تنها خالق جهان بودن ،به طور طبیعی **تدبیر و پرورش** همه ی مخلوقات را در اختیار دارد

ج- خداوند، اداره و **تدبیر** جهان به سوی مقصدی که برایش معین کرده را بر عهده دارد. (هدایت عمومی)

مفهوم آیات :**«افرأیتم ما تحرثون ا أنتم تزرعونه أم نحن الزارعون» ۲. رب العالمین . ۳- «أن تقوم السماء و الأرض بامره» ۴- «إن الله یمسک السماوات و الأرض أن تزولا ۵-«آیات مربوط به انواع هدایت ها»**

مفاهیم کلیدی ۱- رب، اداره، پرورش، تدبیر» ۲. «مدیر و مدبر» ۳- «پروردگار» ۴- نگهبان ۵- انواع هدایت عمومی، ویژه، معنوی)» ۶-«دخالت در امور جهان» ۷- نسبت دادن کار زارع، باغبان و پزشک به خداوند در سطح بالاتر» ۸«بر آوردن حاجات انسان توسط انبیا و اولیای الهی ۹- حل از مشکلات و شفای بیماری توسط انبیا و اولیای الهی |

{ الف توحید در ربوبیت، به معنای نفی تدبیر موجودات - به خصوص انسان - نیست. رشد درختان نتیجه ی تدبیر باغبان است. (به صورت مستقیم و عرضی) بلکه این باغبان و تدبیرش، همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند به صورت طولی و در سطحی بالاتر.. پس رابطه خداوند با انسان رابطه طولی است .

مقایسه تدبیر باغبان با کسانی که در کشت دخالت ندارند زراعت کار خودش است. (مستقیم و عرضی)

الف هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و هم رشد و محصول دادن درخت، بر اساس استعدادی است که خدا در آن قرار داده است با در نتیجه، در می یابد که زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی درختان و گیاهان خداست (توحید در ربوبیت)

مراتب شرک در توحید نظری (عقیده)

۱. شرک در خالقیت

مفهوم: ۱- **اعتقاد به دو یا چند خدا،** که هر کدام خالق بخشی از جهان بوده یا با همکاری یکدیگر، این جهان را آفریده اند. ۲- اعتقاد به خدایان متعدد و چند میدا برای جهان ۳- برای خیر و شر دو خدای جداگانه قائل شدن ۴- برای پدیده های گوناگون طبیعی (مانند باران، زمینه خورشید باد و - چندین خدا در نظر گرفتن

دلیل بطلان چندین خالق: الف **محدود و ناقص اند.** زیرا هر یک از خدایان، باید کمالاتی داشته باشد که دیگری آنها را ندارد. و گرنه همگی عین همدیگر می شوند و دیگر چند خدا نیستند. با چنین خدایان ناقصی، نیازمند هستند و هر یک به خالق کامل و بی نیازی احتیاج دارد که نیاز او را برطرف نماید.

۲. شرک در مالکیت و ولایت

۱- **مالکیت و ولایت انسان در کنار خداست**. (**رابطه ی عرضی** مالکیت و ولایت، مخلوقات با خداوند) ۲- مالکیت و ولایت انسان، مستقل از خداست. ۳- خداوند، مالکیت و ولایت خود را به انسان یا سایر مخلوقات واگذار کرده است.

مفهوم: ۱- در کنار ربوبیت الهی، برای انسان های دیگر یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کنند. (رابطه ی عرضی) ۲- این تفکر که غیر خدا می تواند مستقل از خدا، امور را تدبیر کند. ۳- این اندیشه که انسان ها یا مخلوقات مستقل از خدا می توانند در امور جهان دخالت کنند. مثلا بیماری را شفا بخشند یا مشکلی را رفع کنند.

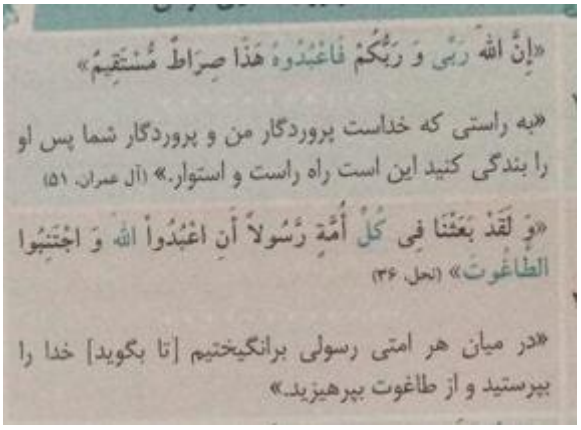
توحید عبادی (درس قبلی همه توحید نظری بودند)

۱. توحید عبادی فردی

۱- تلاش کنند فقط خدا را بپرستد و از او اطاعت نماید ۲- **تمامی کششها و تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیتهای شخص، در یک هماهنگی مناسب سمت و سویی خدایی بگیرند و بر محور بندگی او باشند** ۳- در مجموعه ی برنامه ریزی های خود، خدا و رضایت او را در نظر دارد . رسیدن به شخصیتی متوازن، متعادل و زیبا در **جهت عبودیت و پرستش خدا** ۲- تنظیم و کنترل امیال و غرایز در جهت ظهور بیشتر گرایش های برتر مانند حقیقت طلبی، عدالتخواهی، نوع دوستی، احسان و جوانمردی در رفتار او...

۲. توحید عبادی اجتماعی

۱- در روابط خود با دیگران به جای خواست ها و تمایلات خود، فرمان الهی را حاکم کنند ۲- از پذیرش فرمان طاغوتها و ظالمان و ستمگران سرباز زنند. ۳- تمامی روابط فرهنگی و مناسبات سیاسی و اقتصادی منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای الهی تنظیم شود


«إِنَّ اللهَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ»

«به راستی که خداست پروردگار من و پروردگار شما پس او را بندگی کنید این است راه راست و استوار.» (آل عمران، ۵۱)

«وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶)

«در میان هر امتی رسولی برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید.»

شرک عبادی

۱. شرک عبادی **فردی**

- به جای تبعیت از خداوند و کسب رضایت او از **هوای نفس خود** یا دیگران اطاعت می کنند ۲- کارهایش را برای رسیدن به **خواسته های نفسانی** و یا خوشامد دیگران انجام میدهد

- انسان مشرک تحت سلطه تمایلات و خواسته های نفسانی خود و دیگران قرار دارد ۲. فردی چند شخصیتی است با جهت گیری های متفرق و سمت و سوهای پراکنده و در خدمت معبودهای گوناگون ۳- هر کدام از این معبودهای گوناگون، انسان را به سویی می کشند و آرامش را سلب می کنند

۲.شرک عبادی **اجتماعی**

۱. اگر هر یک از افراد جامعه، **خواستها و تمایلات دنیایی** خود را دنبال کننده

۲- در این جامعه، انسان های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به دست می انسان های دیگر را در خدمت أمیال خود به کار می گیرند .

۳- در این گونه جوامع، سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان های او نیست، بلکه سخن از **حاکمیت الطاغوت** و دستورهای اوست.

کلمه لا اله الا الله:

«کلمه ی توحید» و " مهم ترین شعار اسلام» و «جامع همه ی ابعاد و اقسام توحید» و «نفی هرگونه شرک» است

. توجه» و «تفکر» به آن، بسیار ارزشمند و موجب **فلاح و رستگاری** است. از این رو، به توصیه ی پیشوایان این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جان ما عجین شود.

- انسان با رسیدن به «در ک بالاتر» و «ایمان قوی تری» به این عبارت، بیشتر از گناه دوری می کند، به همین جهت این کلمه **دژی است که انسان را از گناه حفظ می کند** و به مراتب بالاتری از زیبایی ها و کمالات می رساند.

احادیث پیامبر اکرم (ص) درباره ی «لا اله الا الله»: ۱- **بهای بهشت است**. ۲- اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» بود. ۳- «**پرمحتواترین کلمه ی انبیای الهی** است.» ۴- «دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می کند.» و خداوند این کلمه را **دژ مستحکم خود نامیده** است

اخلاص

نوع توحید: اخلاص در بندگی معنای دیگری از **توحید عبادی** است

نتیجه ی افزایش درجه ی اخلاص گرامی تر شدن مقام انسان نزد خدا و بالاتر رفتن درجه اش در بهشت.

اجزای تشکیل دهنده عمل: اول، نیت (هدف یا قصد که روح عمل است) دوم: شکل و ظاهر (جسم و کالبد عمل)

اهمیت نیت؛ پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: «نیت المؤمن خیر من عمله»

شرایط اخلاص : شرط اول **حسن فاعلی**: نیت درونی و قلبی انسان باید الهی باشد.(انجام نماز برای قرب الهی)

شرط دوم **«حسن فعلی»**: انجام عمل مطابق با شکلی که خدا فرمان داده(انجام نماز مطابق فرمان الهی)

رابطه ی حسن فاعلی و فعلی: حسن فاعلی به طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می آورد. کسی که حسن فاعلی و نیت خالص دارد، این کار را به شکلی که خداوند دستور داده انجام میدهد.

میوه های درخت اخلاص

۱. اولین ثمره

الف :**عدم نفوذ شیطان** در انسان و یاس او از فرد با اخلاص اولین ثمره اخلاص است

شیطان، خود اقرار کرده که توانایی فریب مومنان با اخلاص را ندارد

ب **: دستیابی به معرفت و اندیشه های محکم** و استوار . ثمره دیگر اخلاص

سخن پیامبر: جاری شدن چشمه های حکمت و معرفت از دل و زبان . نتبجه خالصانه انجام دادن کارهای خود به **مدت چهل روز برای خداوند است**

۲. ثمرات عالی

۱. غنای مصون از فقر ۲- زندگی جاوید یا حیات مامون از موت۳- بروز ولایت معنوی

۳. بالاترین ثمره اخلاص

دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه خدا بالاترین میوه ی اخلاص در بندگی است

به تعب یر امام علی نهایت آرزوی عارفان، دوست دل های صادقان.ولی مؤمنان و معبود عالمیان دیدار خداوند است

تقدیر

تقدیر از **«حکمت خداوند»** سرچشمه می گیرد تقدیر به معنای **اندازه گرفتن** است. تعیین حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی مخلوقات توسط خداوند، بیانگر مقدر تقدیر الهی بودن آن هاست

یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او **دارای اختیار** باشد؛ همان طور که مثلا به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

قضا

قضا از **اراده خداوند** سرچشمه می گیرد.

به معنای **«به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیت بخشیدن»** است.

اجرا و پیاده کردن نقشه ی جهان نیز به وسیله ی خداست. به همین جهت در اجرا و پیاده کردن آن نقص و اشتباهی نیست

انواع علت :

1. **علل عرضی**

مجموعه ای از علت ها که: ۱- برای پیدایش یک پدیده، دست به دست هم میدهند ۲-باهمکاری یکدیگر و به صورت مجموعه و با مشارکت یکدیگر، در پیدایش یک پدیده دخالت دارند

۳.هر عامل به طور مستقیم نقشی بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است. مثال: تأثیر باغبان، خاکه آب نور و حرارت و ...در رویش یک گل

2. **علل طولی**

۱- «یک عامل در عامل دیگر اثر می گذارد و آن عامل دوم در عامل سوم تاثیر می کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند.»

۲- «علت اولی به صورت مستقیم مؤثر است و سایر علتها در سلحی بالاتر مؤثرند.»

۳- «پیدایش پدیده را می توان به هر یک از این عوامل نسبت داد

۴- «هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می گیرد.»

مثال: عوامل نوشتن: اول: قلم دوم: دسته سوم: سیستم عصبی چهارم: اراده ی که مقدم بر سه علت قبلی است پنجم: نفس یا روح شما که اراده از او پدید می آید

اراده خداوند و اراده ما :

الف- وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده ی الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد.

ب :در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی گیرد

ج- وجود ماء اراده ی ما و عملی که از ما سر می زند، همگی وابسته به اراده ی خداوند است

یعنی اراده ی انسان در طول اراده ی خداست و با آن منافات ندارد



توبه

علت بیزاری شدید از گناه و دوری از آن: دیدن شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود در هنگام ارتکاب اولین گناه

علت فراموش کردن تنفر اولیه نسبت به گناه: «گرفتار آمدن در آن» و **«عادت کردن به آن»**

از پرتگاههای خطرناک سقوط در وادی ضلالت: **«توجیه گناه» و «عادت به آن»**

گناهان کبیره: «دروغ»، «ظلم به مردم»، «پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم»، «کسب مال حرام»، «فسادهای اخلاقی»، و شراب خواری»، «روابط نامشروع جنسی»، «همت»، «ترک عبادتهایی چون نماز و روزه»

توبه ی خداوند در قرآن: بازگشت **لطف و آمرزش الهی به** انسان توبه کار است. مفهوم آیه ی: **«فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فإن الله یتوب علیه إن الله غفور رحیم»**

مراحل توبه :

مرحله اول : پشیمانی از گذشته

- نتایج پشیمانی: «دچار اندوه و حسرت شدن» و سپس تبدیل شدن شیرینی گناه به تلخی»

- در صورت ماندن شیرینی گناه در جان آدمی» و احساس لذت از خاطره ی آن» توبه آغاز نشده است،

-بیت: «توبه بر لب، سبحه بر کف، دل پر از شوق گناه معصیت را خنده می اید زاستغفار ما (مرحله اول)

- بیان عبارت «**استغفر الله :** نوعی ابراز پشیمانی و مربوط به **مرحله ی اول** توبه است

مرحله دوم : تصمیم بر تکرار نکردن گناه

۱- پذیرفته نشدن توبه و استغفار بی خاصیت: به دلیل «اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه ی استغفار در حال تکرار مداوم گناه»

مرحله سوم : جبران حقوق مردم

۱- با مرحله اول و دوم (پشیمانی و عدم تکرار) عادت به گناه از بین می رود، ولی حق الناس جبران نمی شود.

۲- «جبران حقوق مادی یا معنوی مردم در حد توان و به دست آوردن رضایت صاحبان حق

۳- «دادن صدقه» و انجام دعای خیر»، در صورت عدم دسترسی به صاحب حق

مرحله چهارم : جبران حقوق الهی

- **«حق اطاعت و بندگی»، مهم ترین "حق خداوند بر مردم» است**

شباهت توبه و توحید عبادی: توبه نیز مانند توحید عبادی دو جلوه دارد: جلوه ای در فرد و جلوه ای در جامعه

انحرافات اولیه ی اجتماعی: رباخواری، رشوه، بی توجهی به عفاف، ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا

| راه جلوگیری از گسترش و ماندگار شدن انحرافات اولیه ی اجتماعی: باید **در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند**

راه اصلاح و معالجه ی جامعه از این بیماری ها: **انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر**

قوی تر و محکم تر شدن گناهان اجتماعی و تمام سطوح جامعه را در بر گرفتن: نتیجه ی کوتاهی در انجام امر به معروف و نهی و از منکر است

«حساسیت نشان دادن مردم در برابر اولین نمودهای گناه»: راه اسان جلوگیری از گسترش گناهان اجتماعی است

آغاز رسالت پیامبر صدا: **از شهر مکه** و بنا کردن پایه های تمدن اسلامی در شهر **مدینه**

سخن پیامبر ما در اولین روز دعوت خود به مردم در دامنه کوه صفا: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا».

آغاز رسالت رسول خدا(ص) و محور رسالتش: **مبارزه ی با شرک**